



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۸۸

جمعه ۱۱ مهر ۱۳۹۹، ۲ اکتبر ۲۰۲۰

بسوی انزوای بین المللی جمهوری اسلامی

این نوشته بر مبنای مصاحبه کانال جدید با
حمید تقوایی تدوین شده است

خلیل کیوان: خیزش های دیمه ۹۶ و آبان ۹۸ و پیامدهایی که دنبال داشت معادلات سیاسی را بنفع مبارزه مردم و علیه همه جناح های حکومت بطرز رادیکالی تغییر داد. مردم برای نابودی کل عمارت اسلامی با شعار حکومت اسلامی نبود باید گردد، خیز برداشتند. در ادامه جامعه علیه احکام اعدام برای بازداشت شدگان و علیه اعدام نوید افکاری یکپارچه و متحد پیا خاست و جنایتکاران اسلامی را در منگنه قرار داد و در مواردی نیز به عقب نشینی واداشت. طی ماه ها و هفته های اخیر فضای بین المللی نیز بنحو محسوسی بنفع مبارزه مردم ایران و علیه جمهوری اسلامی تغییر کرده است. بازتاب این اوضاع را در گزارش عفو بین الملل که جمهوری اسلامی را نابودگر انسانیت نامید، تجلی یافت. سازمانهای ورزشی و قهرمانان و شخصیت های سرشناس بین المللی علیه حکومت اسلامی بیانیه و اطلاعیه و

التیماتوم صادر کردند. نمایندگان ۴۷ کشور حاضر در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، در بیانیه نسبتاً شدیداللحنی علیه صدور احکام اعدام و ادامه سرکوب ها در ایران بیانیه صادر کردند و دولت های آلمان، فرانسه و انگلیس در اقدامی مشترک با فراخواندن سفیران جمهوری اسلامی آنها را تحت فشار گذاشتند و غیره. آیا جمهوری اسلامی بسوی انزوای بین المللی می رود؟ در این رابطه با حمید تقوایی گفتگو میکنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران بیش از ده سال است سیاست انزوای سیاسی جمهوری اسلامی را دنبال کرده و فعالیت های گسترده ای را هم در این جهت در دستور تشکیلات خارج و فعالین خود قرار داده است. آیا با توجه به رویدادهای اخیر نمیتوان گفت به این هدف نزدیک شده ایم؟

حمید تقوایی: بله، به نظر من همینطور است. تحولاتی که شما به آن اشاره ادامه در صفحه ۲

رضا پهلوی: حرفهای نخ نما در لفافه نوین!

کاظم نیکخواه صفحه ۳

نیشکر هفت تپه: خلع ید از اسد بیگی و موفقیت کارگران

متن گفتگوی کانال جدید با شهلا دانشفر صفحه ۴

پهلوی کوچک!

مراد مکوندی صفحه ۵

هدف از تبریئه موسوی تبریئه حکومت است

صفحه ۶



**۴۷ کشور عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل
جمهوری اسلامی را محکوم کردند!**

صفحه ۶

از مادیای اجتماعی حزب

صفحات ۵، ۱۱، ۱۲، ۱۴

اطلاعیه ها

۱- حکومت اعدام ها باید در جهان طرد و منزوی شود!

صفحه ۱۲

**۲- فراخوان به آکسیون سراسری علیه جمهوری اسلامی
در روز جهانی علیه اعدام**

صفحه ۱۳

۳- به جنگ در قره باغ باید فوراً پایان داده شود!

صفحه ۱۳

۴- اعتراضات کارگری در چند مرکز نفتی

صفحه ۱۴

**۵- اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، رانندگان
شرکت نفت گچساران و دیگر خبرها**

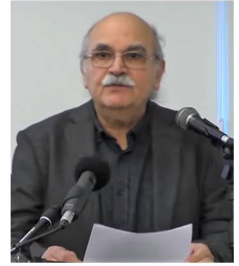
صفحه ۱۵

**۶- مردم مبارز سردشت! تخلیه اجباری شش روستای
مرزی شهرستان سردشت را محکوم و خنثی کنید!**

صفحه ۱۶

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

بسوی انزوای بین المللی جمهوری اسلامی...



کارگران هستیم، یک موج عظیم علیه اعدامها به حرکت درآمده، جنبشی علیه آزار و تجاوز جنسی به زنان شکل گرفته و غیره و غیره. این اعتراضات رو به گسترش است و جمهوری اسلامی را علیرغم همه کشتارها و بگیر و ببندها از هر طرف در منگنه قرار داده است. این فاکتور و عاملی است که امروز باعث شده توجه ها در سطح جهانی به شرایط سیاسی ایران جلب بشود و از جمله ۴۷ دولت حکومت اسلامی را به خاطر جنایت‌هایش محکوم کنند. این انعکاس اعتراضات مردم در داخل ایران است که باعث شده خیلی از دولتهایی که تا بحال سیاست مماشات و همراهی با جمهوری اسلامی را دنبال میکردند به این سمت سوق پیدا کنند که علیه جمهوری اسلامی موضع بگیرند و بیانیه بدهند و جنایت‌هایش را محکوم کنند. همانطور که گفتید سالهاست ما اعلام کرده ایم که جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست بلکه قاتل مردم است و باید محکوم و منزوی بشود. و امروز جهان دارد می بیند که واقعا این حکومت قاتل مردم ایران است. بخصوص شلیک به مردم در آبان ماه و کشتار مردم معترض و بعد شلیک به هواپیمای مسافربری، جنایتی

کردید که مشخصا از دیمه ۹۶ شروع میشود جو سیاسی در جامعه ایران را به نفع مردمی که میخواهند این وضعیت را از پایه عوض کنند تغییر داده است. بازتاب این را در سطح بین المللی هم می بینیم. اگر امروز مثلا گزارش عفو بین الملل صریح تر و مشروح تر از گذشته است به علت تعرض مردم به کل حکومت اسلامی است. عفو بین الملل هر ساله درباره جمهوری اسلامی گزارش داده و نقض حقوق بشر را محکوم کرده است ولی گزارش امسال علاوه بر اینکه لحن تندتر و کوبنده تری دارد و جمهوری اسلامی را حکومت ویرانگر انسانیت مینامد، مرکز توجه اش اعتراضات و خیزش توده ای در آبان ۹۸ است. این گزارش در واقع دارد از مردم معترض دفاع میکند و توحش و جنایت حکومت علیه مردم بپاخاسته را محکوم میکند. خود این امر در عین حال نشان میدهد که جامعه ایران یک جامعه آرام و ساکت و خموده و مقهور حکومتی که میزند و میبندد و میکشد نیست. مردم تعرض میکنند، از هر گوشه جامعه فریاد اعتراض بلند شده است، تظاهرات و تجمعات اعتراضی متناوبا سر بلند میکنند و امروز شاهد اعتصابات سراسری

که در تمام دنیا منعکس شد و شاکیان بین المللی پیدا کرد، و بدنال آن احکام اعدام بخصوص علیه فعالین خیزش ۹۶ و ۹۸ حکومت اسلامی را کاملا در جهان رسوا کرده است. دولتها و سازمانهای بین المللی و احزاب و نیروهایی که حتی ذره ای ادعای دفاع از حقوق بشر داشته باشند نمیتوانند چشمشان را به این جنایات ببندند و از کنارش رد بشوند. بخاطر این که اگر چنین کنند در میان مردم و افکار عمومی در کشور خودشان منزوی میشوند.

داریم گامهایی را به سمت بایکوت و انزوای بین المللی جمهوری اسلامی بجلو بر میداریم و امیدوارم و تلاش میکنیم که این حرکت هرچه گسترده تر و قوی تر بشود. **خلیل کیوان:** برخی از نیروهای اپوزیسیون به فعالیت بین المللی کم توجه بوده اند و توجهی به امر انزوای بین المللی جمهوری اسلامی نداشته اند. در کمپ راست برخی از نیروهای اپوزیسیون امرشان جلب حمایت دولتهای غربی از خود و آلترناتیوسازی از بالا و همچنین حمله نظامی و غیره بوده است. این سیاست ها نتیجه نداده است. در مقابل، تحولات اخیر نشان میدهد که سیاست حزب مبنی بر انزوای جهانی جمهوری اسلامی دارد جواب میگیرد. به نظر شما امروز یک همگرایی بین نیروهای اپوزیسیون بر سر مساله انزوای جمهوری اسلامی ایجاد نشده است؟

حمید تقوائی: متاسفانه اینطور نیست. داریم به این سمت میرویم و باید تلاش کنیم این اتفاق بیفتد ولی در حال حاضر نمی بینیم که نیروهای اپوزیسیون در این جهت فعالیت چندانی داشته



باشند، بیانیه و فراخوان بدهند و خواهان این بشوند که جمهوری اسلامی بایکوت و منزوی بشود. این را متاسفانه هنوز شاهد نیستیم.

همانطور که اشاره کردید نیروهای راست پروژه هائی داشتند که بجائی نرسید. این پروژه ها شکست خورد دقیقا بدلیل اینکه مردم ایران بلند شدند و صورت مساله را عوض کردند. معلوم شد راه حل این نیست که جمهوری اسلامی را به نحوی با بند و بست از بالا و معماری قدرت و حمله نظامی یا تهدیدات نظامی و یا بحرانسازی در مرزها و غیره و غیره - سناریو هائی که مطرح بود- جابجا کرد یا تغییر داد. لابیگریهای نیروهای راست در این جهت همه ناکام ماند.

البته نیروهای راست خواهان تغییر کامل نظام نبودند و نیستند بلکه اساسا تغییر قانون اساسی و رفتارندوم و نظایر انرا مطرح میکنند و در مقاطع متعددی با اصلاح طلبان درون حکومتی نزدیک و همسو شده اند و غیره. هیچ یک از این تلاشها به جائی نرسید. و کلا معلوم شد راه واقعی و انتظاری که مردم از دولتها و از سازمانهای بین المللی دارند، نه دخالتگری نظامی است و نه تحریم اقتصادی

است و نه آلترناتیو سازی و معماری قدرت از بالا و غیره است. بلکه بسادگی برسمیت نشناختن حکومت اسلامی است.

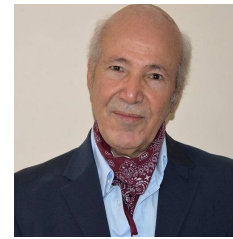
جنایت‌های جمهوری اسلامی از ۹۶ شروع نشده. از همان آغاز روی کار آمدن این حکومت، ما با کشتارها و اعدامهای وسیع از جمله در دهه شصت روبرو بوده ایم و بهمین خاطر ما مدت‌هاست اعلام کرده ایم این حکومت قاتل مردم ایران است و نباید بعنوان رژیم ایران برسمیت شناخته بشود. مساله روشن و سراسر است. ولی این گفتمان متاسفانه گسترده نبود و هنوز هم نیروهای اپوزیسیون این سیاست را دنبال نمیکنند.

نکته دیگر اینکه علاوه بر اپوزیسیون راست نیروهایی هم هستند که خود را چپ میدانند اما سیاست انزوای سیاسی حکومت را دنبال نمیکنند بخاطر اینکه اصولا اعمال فشار به دولتهای خارجی برای اینکه علیه جمهوری اسلامی موضع بگیرند را بیهوده میدانند. استدلالشان هم اینست که این دولتها خود بورژوائی و ارتجاعی هستند و مردم باید با نیروی انقلابی خودشان جمهوری اسلامی را سرنگون

رضا پهلوی: حرفهای نخ نما

در لفافه نوین!

کاظم نیکخواه



اینهم خودش هنری است که انسان بتواند پانزده بیست دقیقه حرف بزند و یک کلمه در مورد موضوع مورد بحث حرف مشخصی نزند. رضا پهلوی این هنر را اخیراً در "پیمان نوین" اش از خود نشان داد. او بقول خودش از دو دهه پیش تا کنون بالاخره این درس را گرفته است که "این نظام اصلاح پذیر نیست" و این جایگاه "درخور نام ایران" و نه مردم ایران نیست. این خود یک پیشروی برای کسی است که بیست سال پیش دست مودت به سوی خانمی و رفسنجانی دراز کرده بود. اما تمام پیشروی ایشان به همینجا ختم میشود. در مملکتی که چهل سال است از یکه تازی و توحش خونین آخوند و اسلام و مذهب و مافیای سرمایه داری و زندان و خفه کردن صدای مخالف دارد له میشود و بطور واقعی کار به استخوان مردم رسیده است، این جناب زبان باز کرده است تا از آینده بعد از جمهوری اسلامی سخن بگوید اما یک کلمه علیه اسلام و آخوند در این پانزده بیست دقیقه حرف نمیزند. یک کلمه علیه مجازات ضد انسانی اعدام که هرروز دارد جان شماری از مردم را میگیرد حرفی نمیزند. او از فروپاشی اقتصادی و فقر حرف میزند اما یک کلمه علیه مافیای حریص سرمایه داری که نان شب بچه های کارگران را هم

تمسخر قرار گرفته است. او حواسش هست که سیگنالهایش را به سرمایه داران بدهد که اوضاع سرمایه داری را روبراه خواهیم کرد. با سرمایه داران دنیا همراه و هم پیمان خواهیم شد. ارتش را قوی تر خواهیم کرد. و با تاکید بر "تمامیت ارضی" و ایران عزیز این سیگنال را بدهد که قرار است اگر بفرض محال ایشان روزی به قدرت برسد مثل پدر از تخت افتاده اش چماق تمامیت ارضی را بر سر هر منتقد و مخالفی بکوبد. رضا پهلوی در این پیام جرات نکرد که همچون قبل بگوید مارکسیستها روز میزنند. اما با آدرس دادن از کشورهای "آزاد شده" از بلوک شرق، پیام ضد کمونیستی و ضد کارگریش را هم ابراز نمود و روشن کرد که وقتی دستش را به سوی "همه جریانات" دراز کرده این طبعاً شامل چیها و سوسیالیستها و کمونیستها نمیشود. اما مشکل رضا پهلوی اینست که نه فقط فضای جامعه را اعتراضات و اعتصابات کارگری به سمت چپ و کارگر و آزادیخواهی سوق داده و دیگر دوره سلطنت و ولیعهد و شاه و آخوندهای "اهلی" و "متمدن" گذشته است، بلکه حتی جبهه راست و بورژوازی هم پشت سر

ایشان نیست. راست متشتت تر و بهم ریخته تر از آنست که بشود آنرا بسادگی با پول و پله و جنجال رسانه ای پشت یک خط شکست خورده جمع کرد. تلاشهای قبلی ولیعهد سابق در سر هم بندی بالماسکه ققنوس و فرشگرد و شورای ملی و امثال اینها، این را بروشنی به ایشان نشان داده است. با این "پیمان نوین" در واقع رضا پهلوی دارد به این جماعات حول و حوش سلطنت و راستهای اسلامی و دو خردادی و قوم گرا و امثال آنها هشدار میدهد که بیایید پیمان ببندید که جلوی چپ و کارگر و آزادیخواهی بایستیم. و گرنه خیلی زود دیر میشود. به ایشان باید گفت جناب! فی الحال دیر شده است. باور کنید این جامعه بعد از اینهمه مشقت و جنگ و رنج، میخواهد و مصمم است که به دیکتاتوری و مفتخوری و توطئه گری پایان دهد. باور کنید که جامعه امروز ایران علیه کل سلطه اسلام و آخوند و شاه و خلیفه و سرمایه داری و مافیائی و ضد کارگری و ضد انسانی بلند شده است. اعترافات هر روز ه سران و دست اندرکاران حکومت که میگویند آخوند در این جامعه مورد تمسخر خاص و عام است، و هفتاد در صد جوانان

مذهب را کنار گذاشته اند و بیابنه هایی که علیه اعدام نوید افکاری داده شد و بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی تاکید کرد، و شعارهای رادیکال و ضد سرمایه داری اعتراضات کارگران و معلمان و بازنشستگان و هزار فاکت و شاهد دیگر بر این ادعا صحه میگذارد. رضا پهلوی میتواند خود را به ندیدن و نشنیدن بزند. میتواند همچنان به سیستم پدر تاجدارش وفادار بماند. میتواند به امید بسیج سرمایه داران و مفتخوران و آخوندهای "معقول و متمدن" پیمان نوین صادر کند. اما باور کنید دوره این بازیها سالهاست گذشته است و این نوع تلاشها نه فقط با تمسخر بلکه با انزجار مردم متمدن جواب خواهد گرفت. کسی فریب ژستهای رقیق "من در پی رسیدن به قدرت نیستم" را نخواهد خورد. آینده این جامعه را آن طیف مستاصلی که زیر چنگال جمهوری اسلامی، نگاهش به گذشته است تعیین نمیکند. بلکه آن طیف رزمنده و پیشرو و روشن بینی تعیین میکند که جلوی صف دارد با جسارت علیه کل خرافه پرستی و زورگویی و زندان و مافیای سرمایه داری و اعدام و اسلام و آخوند میجنگد.*

برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب کمونیست کارگری میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

سایت حزب: www.wpiran.org
واتس اپ: +۹۰ ۷۴۲۵۵۶۲۴۴۲
تلگرام: @wpi_hkki
پیامگیر تلگرام: @wpi_tamas
اینستاگرام: wpi91
فیسبوک: www.facebook.com/wpiran



سر نیشکر هفت تپه برگزار شد.

البته اعلام شده است که برای تعیین مدیریت بعدی یک ماه و نیم وقت لازم است. و تحت عنوان اینکه مهم نیست مالکیت نیشکر هفت تپه در دست بخش خصوصی یا دولتی باشد، بلکه باید به مالکی سپرده شود که توان تامین نیاز مالی آنرا داشته باشد و صاحب اهلیت باشد، میکوشند راه را برای روی کار آوردن یکنفر دیگر از خودی هایشان و ادامه چپاولگریهایشان باز کنند. اما کارگران همه این ترفند ها را تجربه کرده و در مقابلش ایستاده اند. در هر حال همانطور که اشاره کردم کنار گذاشتن اسد بیگی و باند او، بعد از کشاکش چند ساله در این کارخانه و بیش از سه ماه اعتصاب اخیر، یک موفقیت بزرگ برای کارگران نیشکر هفت تپه است. این کارگران با اعتراضات قدرتمند خود توانستند دولت، مجلس و همه بخش های حکومتی را بر سر دزدی هایشان به جان همدیگر بیندازند. توانستند مجلس اسلامی را به محل فریاد اعتراض خود شان تبدیل کنند، توانستند اسد بیگی را پشت میز محاکمه بکشاند و این جدال جانانه ای بود علیه چپاول و دزدی که نه تنها در نیشکر هفت تپه بلکه در بخش بزرگی از مراکز کارگری و در سطح جامعه شاهدش هستیم. کارگران نیشکر هفت تپه در این نبرد کل بساط رانت خواری حاکم را به چالش کشیدند. این کارگران امروز با کنار گذاشته شدن اسدی بیگی قدرت خود را بهتر می بینند و دارند این موفقیت خود را جشن میگیرند. زنده باد به کارگران نیشکر هفت تپه. اما علاوه بر خلع ید از اسد

نیشکر هفت تپه: خلع ید از اسد بیگی و موفقیت کارگران

متن گفتگوی کانال جدید با شهلا دانشفر



ساناز سینیایی: بنا به گزارشهای منتشر شده روز چهارشنبه ۹ مهر جلسه ویژه هفت تپه در مجلس اسلامی به پایان رسید و مقرر شد که از اسد بیگی مدیر این شرکت خلع ید شود و تمام طلبهای کارگران تا ۱۵ روز دیگر پرداخت گردد. این یک پیروزی مهم برای کارگران نیشکر هفت تپه و جنبش کارگری است. اگر ممکن است در مورد جوانب این تصمیم مجلس توضیح بیشتری بدهید؟

شهلا دانشفر: این چهارمین جلسه مجلس اسلامی بر سر تعیین تکلیف مالکیت نیشکر هفت تپه و مسایل مربوط به آن بود. در این جلسه نیکزاد نایب رئیس مجلس اسلامی، خضریان سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰، رئیس سازمان خصوصی سازی، نمایندگانی از وزارت کار و اقتصاد نماینده ای از سوی استاندار خوزستان از سوی حکومتیان و نیز نمایندگانی از طرف کارگران نیشکر هفت تپه شرکت داشتند. یک مصوبه مهم این نشست خلع ید از اسد بیگی و باند مافیایی او بود و این یک موفقیت مهم برای کارگران نیشکر هفت تپه است. زیر فشار اعتراضات کارگران است که علیرغم سردوندان ها و ادار شدند که پای جلسه روز نهم مهرماه ببینند و بالاخره بعد از کلی توی سر هم

کارگران این بود که حفظ هفت تپه برای نجات کار و معیشتشان است.

خلع ید از اسدی بیگی، اخراج مدیران فاسد و دیگر تصمیمات جلسه نهم مهرماه همه و همه موفقیت های بزرگ اعتصاب بیش از سه ماه کارگران نیشکر هفت تپه و جدال چند ساله آنها بر سر کوتاه شدن دست بخش خصوصی این بخش چپاول و دزدی از این شرکت است.

اکنون کارگران در مقابل هر گونه توطئه و تلاشی برای وقت خریدن و برای اینکه سر و ته قضیه فقط با جابجایی دزدان فیصله داده شود هوشیارند و اختطارهای خود را داده اند. از جمله به محض احضار هفت نفر از کارگران به پاسگاه، کارگران عکس العمل نشان داده و اعلام کردند که اگر تهدیدات ادامه یابد تجمعات خود را از سر خواهند گرفت. در عین حال این کارگران هنوز مزد ماه شهریور را طلب دارند و یک خواست مهم دیگر آنان یعنی بازگشت به کار همکاران اخراجی در تمام بخش ها هستند. بعلاوه اسماعیل بخشی و سه همکار دیگرشان که در جریان اعتراضات سال ۹۷ اخراج شدند، هنوز سرکار بازنگشته اند و این یکی از مطالبات مهم آنها بوده است. این چنین است که در نیشکر هفت تپه جدال کارگران بر سر اجرای نهایی مصوبات جلسه مجلس در نهم مهر ماه و برای دیگر ادامه در صفحه ۱۰

بیگی نشست مزبور مصوبات دیگری نیز داشت که آنها هم به نوبه خود مهم بودند. از جمله به دنبال این نشست مقرر شد که تعداد پنجاه نفر از مدیران بازنشسته و بازگشتی، اخراج و به منزل بازگشت کنند! اکثر این مدیران از عوامل اسدی بیگی و همدستان آنها بوده و در اعتصاب شکنی و گزارشدهی علیه کارگران فعال بودند. اخراج این مدیران یکی دیگر از مطالبات کارگران بود و هم اکنون کارگران بر اخراج مدیران دیگری چون آمیلی، کاویانی، بهاری، صابریان، کریمی پور و شماری دیگری از همین دست که همواره در تعرض به کارگران و عقب زدن مبارزات کارگران نقش داشته اند تاکید دارند. همچنین در نشست روز نهم مهر ماه تصمیم گرفته شد که طلبهای کارگران بابت تیرماه و مرداد ماه تا پانزدهم مرداد پرداخت شود. بعلاوه تاکید شده است که تا نیمه آبان ماه حداقل ۳ هزار هکتار نیشکر کشت شود و استاندار که خود از همدستان اسدی بیگی و باند او بود، مسئول پیگیری آن شده است. انجام کشت موضوعی بوده است که همواره مورد تاکید کارگران نیشکر هفت تپه بوده است و در جریان هستیم که در طول اعتصابی که این کارگران داشتند، یک تلاششان این بود که کشت صورت بگیرد و جلوی به حراج گذاشتن و فروش این زمین ها را گرفتند. در این جدال تاکید

پهلوی کوچک!

مراد مکوندی

چند شب قبل شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال سخنرانی چندین بار اعلام شده و از پیش نوشته شده ی رضا پهلوی را پخش کرد. این تلویزیون بیست و چهارساعته که به طرز آشکاری به بنگاه تبلیغاتی سلطنت طلبان بدل شده، پخش این مانور سیاسی و کارزار بی نتیجه آلترناتیو سازی راست روانه را از مدت ها قبل در بوق و کرنا کرده و با شد و مد تمام در یک ساعت پربیننده پخش کرده است تا قند را در دل اپوزیسیون راست پروغرب آب کند. از آن شب هم هر یک ساعت آن را بازپخش کرده است تا مبادا گوش احدی از شنیدن آن محروم مانده باشد. روشی را که این تلویزیون در لانسه کردن شخصیت استوک بازمانده پهلوی سرنگون شده در پیش گرفته، مسبوق به سابقه است؛ و اسمش توطئه رهبر تراشی برای مردم است. موفقیتش هم منوط به این است که مردم چشم و گوش بسته باشند. که نیستند و بعد از یک بار قالب کردن خمینی

و چهل سال تجربه جدال با سیستم جهمی و اسلامی او، مردم هشیار و آگاه و صاحب حزب و تجربه و سیاست شده اند و دوبار از یک سوراخ گزیده نمیشوند.

نکته دیگری که به همین مساله مربوط است، موقعیت زمانی این سخنرانی شاهانه! است. پهلوی کوچک زمانی این به اصطلاح فراخوان را سر داده است که همانطور که نوشتیم؛ جنبش سرنگونی به مرحله ی بسیار حساسی رسیده است و از طرف دیگر کانون های اپوزیسیون راست و سلطنت طلب از قبیل حزب مشروطه و جمهوری خواهان و فرشگرد و سیمرغ و مدیریت شورای گذار و چند جمع دیگر، یکی پس از دیگری به بن بست های عقیدتی و عملی در حد ناکامی رسیده اند، لذا پهلوی کوچک یادش افتاد که با زبانی دیگر وارد شود؛ این بود که نام پیامش را «پیمان نوین!» گذاشت یعنی با زبان بی زبانی شکست تشکل سازی های اپوزیسیون بورژوازی ایران را اعلام کرد.

و اما پهلوی کوچک در پیمان نامه ی! یک طرفه اش چه گفت؟ رضا پهلوی که خود را رهبر می داند، در بخش هایی از فراخوانش از مردم و احزاب و سازمان ها خواست که فارغ از دسته بندی های سیاسی و عقیدتی گرد پرچم او جمع شوند و کار رژیم را یکسره کنند! رضا پهلوی از خودش نمی پرسد که در این چهل سال و در مقاطع مهم اعتراضات از حمله به کردستان و بمباران های سنج و سردشت و میوان و گنبد، خودش و اطرافیان و دوستانش کجا بودند؟ هنگامی که در سال ۷۸ دانشجویان معترض را به گلوله می بستند و از پشت بام خوابگاه به پایین می انداختند، ایشان و دور و بری هایش چه پشتیبانی از مردم کرده اند؟ در کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی در سال ۶۷، آقای پهلوی چه واکنشی نشان داده اند؟ در اعتراضات خیابانی سال ۸۸ که رژیم دست به قلع و قمع گسترده زد، شاهزاده! و محافل نزدیک به او کجا بودند؟ در قیام سراسری مردم در بیش از صد شهر در دی ۹۶، پهلوی و حواریونش چه وزنی داشتند؟

همچنین در اعتراضات سراسری آبان ۹۸ که رژیم سفاک را تا سرحد سقوط پیش برد، ایشان چه اقدامی صورت داده بودند؟ جز اینکه در دو مورد اخیر نیز سعی کرده بودند موج سواری کنند و به سرمایه داری چراغ سبز نشان بدهند که اگر سناریوی رژیم چنج را اجرا کرده اند، به او امیدوار باشند.

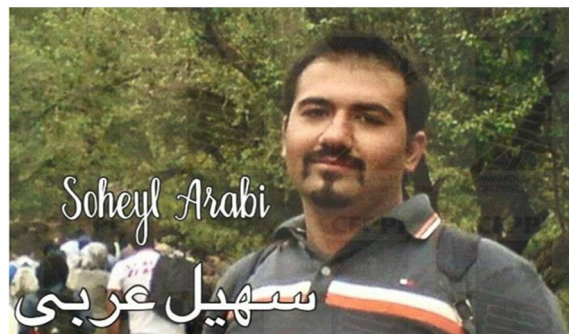
رضا پهلوی در بخشی از پیامش به استبداد و چپاول و کشتار و سرکوب جمهوری اسلامی انتقاد کرد بدون آنکه حتی یک کلمه از دیکتاتوری و کشتار و تحمیل فقر توسط پدرش به زبان بیاورد. آقای پهلوی کوچک که خود را دموکرات و مدافع حقوق بشر! معرفی می کند، هنوز رسماً اعدام را نفی نکرده است. هنوز به ارتش اعتقاد دارد و به سپاه و بسیج چراغ سبز نشان می دهد و حرفی از انحلال ارتش نمی زند چرا که این نهاد را برای سرکوب نیاز دارد. هنوز جا به جا و مکرراً از سرمایه داران و سرمایه گذاری نام می برد و آرمان تسمه از گرده کارگر کشیدن برای فوق سود سرمایه داری را وعده میدهد. هنوز دهانش را پر می کند و از «خاک

پاک!» و تمامیت ارضی به نیکی و بعنوان تقدس و خط قرمز نظام مد نظرش یاد می کند. هنوز در مورد آزادی ها و حقوق انسان ها و نظامی که وعده می دهد، کلی گویی می کند.

نه! آقای پهلوی، مردم شما را خوب می شناسند. مردمی که چهل سال با ددمنشانه ترین رژیم دست و پنجه نرم کرده اند، فریب حرف های اتوکشیده و توخالی تو را نمی خورند. بگذار به یادت بیندازم که وقتی در چندسال قبل یکی از هواداران خانواده ات شعاری تودماغی سرداد که «رضاشاه روح شاد!» و بی بی سی و صدای امریکا و ایران اینترنشنال آن را در شیپور کرده بودند، مردم یکصدا و رسا جواب داده بودند «دنده عقب ممنوعه!» آقای پهلوی! خوب است که آدم اندازه واقعی اش را بداند.

مردم تصمیم شان را گرفته اند. می خواهند با دست های خود بساط این جرثومه کثیف را برای همیشه در هم بیچینند و رسم هرچه نظام شاه الهی و اسلامی و سرمایه داری را برکنند. کس نیاید به زیر سایه ی بوم، گر همای از جهان شود معدوم.*

محرومیت سهیل عربی از حق ملاقات و تماس تلفنی



خانواده خود محروم مانده است. این زندانی سیاسی در حال تحمل حبس تعزیری ۱۱ ساله خود است.

شهر کرج منتقل شد کماکان در بند قرنطینه «سوئیت» این زندان نگهداری و از حق ملاقات و تماس تلفنی با

سهیل عربی، زندانی سیاسی که طی روزهای اخیر از زندان تهران بزرگ بدون اطلاع قبلی به زندان رجائی

که حاکم کرده اند هر دادگاهی به صحنه محاکمه حکومت و سیستم قضایی و سرپای حکومت تبدیل میشود. حکومتی که در میان مردم اینچنین بی آبرو و منفور است از همه چیز وحشت دارد حتی از نیمی از صفوف خودش.*

یکشنبه ۶ مهر ۱۳۹۹

#کارزار_صدای_

معترضین_آبانماه

برای برپائی و ساختن جامعه ای شاد و مرفه به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید.



اعدامهای دسته جمعی حکومتش، از زندانهای وزارت اطلاعاتش، از اخبار صدا و سیما و دیگر رسانه های حکومتش هم که هر روز اسامی دهها اعدامی را اعلام میکردند نیز خبر نداشته است؟ آیا واقعا میتواند چشم در چشم مردم بدود و ادعا کند که از دهها هزار اعدام سال های ۶۰ و ۶۱ و شکنجه ها و تجاوزها هم خبر نداشته؟ از اسیدپاشی ها و پونز زدن به صورت زنان و سنگسارها و هزاران جنایت دیگر هم خبر نداشته؟ یا اینکه بعنوان بالاترین مقام اجرایی حکومت خود شریک همه این جنایات بوده است؟

این جماعت فکر میکنند با این استدلال ها اکنون هم میتوانند جناحی از حکومت را بعنوان بیخبر از جنایات و یا بی اختیار در تصمیم گیری ها معرفی کنند و برای آن آبرو بخرند و حکومت را از خطر سرنگونی نجات دهند. بنظر میرسد این جماعت هم

هدف از تبرئه موسوی تبرئه حکومت است

اخیرا جمعی با عنوان فعالین مدنی و سیاسی ایرانی بیانیه ای در اعتراض به گزارش دو سال قبل عفو بین الملل در مورد کشتار تابستان ۶۷ منتشر کرده اند. در این بیانیه به امنستی اعتراض کرده اند که چرا جنایت سال ۶۷ را تحریف کرده و موسوی را هم شریک این جنایت معرفی کرده است. اینها ادعا میکنند که نخست وزیر وقت جمهوری اسلامی از جنایات حکومتش خبر نداشته است! اگر این بحث فقط تبرئه شخص موسوی را شامل میگردد، از اهمیت چندانی برخوردار نبود و میشد از کنارش گذشت. زیرا موسوی مدتهاست که جایی در سیاست این کشور ندارد. اما تلاش برای تبرئه نخست وزیر وقت حکومت اسلامی در واقع تلاشی نامقدس و وقیحانه برای تبرئه کل حکومت اسلامی از نسل کشی دهه

مثل موسوی از شعار اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا اطلاعی ندارند! گویی از شعار نابود باد جمهوری اسلامی و خشم و نفرت عمومی از کل نظام و همه مقاماتی که این نظام را بنیان اش اطلاعی ندارند! وگرنه شاید راه دیگری برای تبرئه نظام یا بخشی از نظام پیدا میکردند!

امنستی اینبار تحت فشار فضای رادیکال و اعتراضی جامعه گزارش تندتری علیه جنایات حکومت منتشر کرده و سیستم قضایی و جنایاتش را تحت عنوان ویرانگران انسانیت افشا کرده است. بنظر میرسد امضا کنندگان

که حزب ما سالهاست دستور کار خود قرار داده و بسهم خود برای آن میکوشد. جمهوری اسلامی حکومت مردم ایران نیست و هیچ مشروعیتی ندارد. این حکومت قاتل مردم ایران است و باید برود. لذا باید در جهان و توسط همه نهادها و دولت ها و در همه جا محکوم و منزوی شود. مردم ایران شایسته حکومتی هستند که با اعمال اراده مستقیم خود برپا میکنند و آزادی و برابری و رفاه و شادی و انسانیت را در ایران برقرار میکنند.*

حزب کمونیست
کارگری ایران
۴ مهر ۱۳۹۹
۲۵ سپتامبر ۲۰۲۰

اسلامی دارد زیر فشار اعتراضات و مبارزات هر روزه کارگران، زنان، جوانان و دانشجویان، بازنشستگان و فعالان محیط زیست، جنبش علیه اعدام، جنبش همجنسگرایان و غیره در چشم افکار عمومی جهان به جایگاهی رانده میشود که زمانی رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی اشغال کرده بود. انعکاس این وضعیت است که اکنون در تصمیمات دولت ها، نهادهای سازمان ملل، نهادهای بین المللی ورزشی و فرهنگی خود را نشان میدهد.

اعتراض وسیع در داخل و خارج ایران به اعدام وحشیانه نوید افکاری و بر علیه مجازات اعدام، همینطور اقداماتی نظیر لغو سفر وزیر امور خارجه ایران به اروپا منتشر میشود، حائز اهمیت سیاسی جدی است. اکنون بروشنی میتوان دید که دولت ها و دست اندرکاران کشورهای بیشتری دارند متوجه میشوند که مردم قهرمان ایران حلقه اعتراضات و اعتصابات شان را بر جمهوری اسلامی تنگ تر و تنگ تر میکنند و قطعا خواهان سرنگونی این رژیم سفاک اسلامی هستند. دیگر فضای سازش و مماشات با یکی از جنایتکارترین رژیم های حاضر که هر روز رسواتر و به سقوط نزدیکتر میشود غیر ممکن میشود. جمهوری

حزب کمونیست
کارگری ایران
۶ مهر ۱۳۹۹
۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰

۴۷ کشور عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل جمهوری اسلامی را محکوم کردند!

موقوف کردن مجازات اعدام در ایران و آزادی زندانیان سیاسی شده اند، از حکومت اسلامی خواسته اند موازین دادرسی عادلانه را رعایت کنند، از خود قاتلین خواسته شده که موضوع کشتار آبانماه را بررسی کنند و از "شجاعت مدافعان حقوق بشر" و بخصوص از مدافعان حقوق زنان، فعالان محیط زیست و وکلای دادگستری ستایش کرده اند.

این بیانیه مشترک که در پی گزارش مشروح و پر انعکاس سازمان عفو بین الملل از جنایات جمهوری اسلامی در آبانماه گذشته،

روز جمعه ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۰ (۴ مهر ۹۹)، نمایندگان ۴۷ کشور حاضر در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، در بیانیه نسبتا شدیداللحنی که توسط نماینده دولت آلمان قرائت شد، اعدام نوید افکاری، نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران، سرکوب زندانیان سیاسی، بکارگیری مجازات اعدام و بخصوص اعدام کودکان و نوجوانان و بکارگیری شکنجه و سرکوب وحشیانه اعتراضات مردم را محکوم کردند. در این بیانیه ۴۷ کشور حاضر در نشست شورای حقوق بشر خواهان

بسوی انزوای بین المللی...

کنند. این به نظر من لازم است ولی کافی نیست چون در سطح بین المللی خود رایی وظیفه میکنند. در این تردید نیست که باید با نیروی انقلاب مردم حکومت را بزیر کشید ولی انقلاب هم سیاست خارجی خودش را دارد. اعتراضات توده ای و خیابان که به حرکت در می آید، اعتصابات که پا میگیرد، این انتظار و توقع را باید در برابر جهان قرار بدهد که این حکومت نماینده ما نیست، این دولت، دولت ایران و یا رژیم ایران نیست، در سازمان ملل آنرا به رسمیت نشناسید، در مجامع بین المللی برسمیت نشناسید، دولتها باید سفارتخانه های جمهوری اسلامی را ببندند، و از پذیرش مقامات و مسئولین این حکومت خودداری کنند. نه تنها نباید آنها را بپذیرند بلکه باید بعنوان جنایتکاران علیه بشریت آنها را تحت تعقیب قرار بدهند. این توقع و خواستی است که صف انقلاب دارد. این خواستی است کارگران و توده مردم دارند. و باید آنرا با صدای بلند به گوش جهانیان رساند.

خلیل کیوان: اکنون صداهایی از ایران شنیده میشود که از دولت ها و سازمانهای بین المللی

میخواهند جمهوری اسلامی را منزوی کنند. نامه سرگشاده ای خطاب به عفو بین الملل از جانب تشکلهای و گروههایی از فعالین کارگری، بازنشستگان، دانشجویان و فعالین لغو کار کودکان منتشر شده که از دولت ها میخواهد جمهوری اسلامی را بایکوت کنند. این فراخوان ها و بیانیه ها از چه اهمیتی برخوردارند؟

حمید تقوائی: به نظر من این فعاليتها یک نقطه عطف تعیین کننده در مبارزات مردم ایران است. تشکلهای و نهادهایی که این بیانیه را امضا کرده اند پیشروان و اکتیویستهای جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی دیگر در ایران هستند. اینها پیشاپیش جامعه، به عنوان صف پیشتاز جامعه، صدای اعتراض مردم به رژیم را به گوش جهانیان رسانده اند، از اعدامها و از فجایعی که در زندانها رخ میدهد نام برده اند و اعلام کرده اند دولتهای جهان باید جمهوری اسلامی را محکوم کنند و گرنه خودشان شریک جرم حکومت هستند. این یک گام بزرگ به جلو هست نه تنها برای جنبشهای اعتراضی بلکه برای کلا جنبش سرنگونی طلبانه در ایران. این خواست جنبش

سرنگونی است که این حکومت نباید در جهان برسمیت شناخته بشود. من خیلی خوشحالم که این صدا امروز از داخل ایران هم بلند میشود.

این نشان میدهد که گفتمان بایکوت جمهوری اسلامی، فقط خواست حزب ما نیست بلکه جامعه دارد همین را میگوید. طبعاً جامعه با زبان پیشروانش سخن میگوید. روشن است که امروز این امکان وجود ندارد که همه پرسى کنید و نظر توده مردم را جویا شوید. ولی وقتی جمعی از فعالین نهادهای در جنبش کارگری و دانشجویی و بازنشستگان و طرفداران حقوق کودک بلند میشوند چنین بیانیه ای میدهند، در واقع کل جامعه را نمایندگی میکنند. حرف دل کل مردم، بخش عظیم مردم که بزیر خط فقر رانده شده اند، سرکوب شده اند، از همه چیز محرومند، را دارند مطرح میکنند باید تلاش کرد که این حرکت گسترده بشود و فعالین و نهادهای و تشکلهای مبارزاتی و چهره ها و سلبریتی ها و فعالین جنبشهای مختلف هر چه بیشتر به میدان بیایند و با چنین اطلاعیه هایی اعلام کنند که حکومت قاتل مردم ایران باید در دنیا طرد و محکوم بشود.

یک نکته دیگر هم این حرکت نشان میدهد. این که شرایط و توازن قوا در ایران طوری هست که فعالین میتوانند قدم جلو بگذارند و این پرچم را بلند کنند. هر چه این حرکت گسترده تر بشود جمهوری اسلامی در تقابل با مردم ضعیف تر میشود، بیشتر به عقب رانده میشود و دیگر قادر نیست به اعدامها و بگیر و ببندش ادامه بدهد. میخواهم بگویم حتی اگر این

حرکت فورا به انزوا و تحریم بین المللی رژیم منجر نشود، نفس وجود این حرکت اعتراضی در ایران هر چه بیشتر رژیم را به عقب میراند و تیغ سرکوب آنرا کند میکند.

خلیل کیوان: یکی از مواردی که این نوع سیاست در دنیا کارساز بوده است انزوای بین المللی رژیم آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی است. بطور نمونه دولت و نخست وزیر سوئد در صف مقدم مبارزه علیه آپارتاید نژادی بود و در ادامه این حرکت جبهه بزرگی در دنیا علیه رژیم آفریقای جنوبی شکل گرفت و بالاخره توانست این رژیم را از نظر سیاسی و فرهنگی و ورزشی منزوی کند و در موقعیتی قرار بدهد که مردم ضربه آخر را بزنند و آنرا در هم بکوبند. آیا در شرایط حاضر و با وضعیتی که در دنیا حاکم است این امکان وجود دارد که همین سناریو در مورد جمهوری اسلامی هم عملی بشود؟

حمید تقوائی: روشن است که شرایط سیاسی امروز جهان کاملاً متفاوت است از زمان انقلاب ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی. ولی متفاوت است به این معنی که شرایط امروز برای شکل دادن به حرکتی جهانی برای منزوی کردن چنین رژیمهایی مساعدتر است. در شرایط امروز این حرکت میتواند گسترده تر و قوی تر شکل بگیرد. بخاطر اینکه اولاً از نظر سیاسی دیگر آن قطبندی جهانی بین بلوک غرب و شرق وجود ندارد. آن زمان اگر در غرب ترس پیوستن یک جامعه انقلابی به کمپ شوروی و غیره وجود داشت و دولتهای غربی به این دلیل از دیکتاتوریهایی بحران زده دفاع میکردند امروز دیگر چنین محاسباتی در

کار نیست. دیگر جهان دو قطبی ای نیست که رقابت بین بلوک شرق و بلوک غرب سرنوشت مردم جهان را رقم بزند. روشن است که رقابت دولتها و توطئه گری علیه انقلابات در ابعاد و اشکال دیگری هنوز وجود دارد. اما با دنیای دو قطبی متفاوت است.

ثانیاً عامل دیگر و مهمتر، ارتباطات گسترده میان مردم همه کشورها است. با رشد مدیای اجتماعی و به هم پیوستگی مردم سراسر جهان با استفاده از این مدیا دامن زدن به حرکتهای اعتراضی جهانی بسیار بیش از گذشته امکان پذیر شده است. امروز شاهد هستیم که مردم جهان به سرعت از جنایتهای جمهوری اسلامی و اعتراضات مردم ایران مطلع میشوند. هم خیزش ۹۶ بازتاب جهانی پیدا کرد و هم جنبش ۹۸ و هم قبل از آن اعتراضات ۸۸. همه این تحولات وسیعاً در جهان منعکس شد. و مردم آزاده و شریف دنیا اساساً در مدیای اجتماعی به دفاع از مردم ایران برخاستند و این خود اهرم فشاری است بر دولتها که در این رابطه موضع بگیرند. هیچ دولتی براحتی نمیتواند ادعای دفاع از حقوق بشر داشته باشد و علیه جنایتهای جمهوری اسلامی که همه مردم دنیا از آن مطلع هستند موضعی نگیرد. ازینرو میتوان گفت شرایط امروز بسیار مساعدتر هست برای شکل دادن به یک حرکت جهانی در دفاع از مردم ایران و علیه جمهوری اسلامی.

ببینید محور و نیروئی که ما روی آن حساب میکنیم برای اینکه سازمانهای جهانی و دولتها در کشورهای مختلف را بیای سیاست بایکوت جمهوری اسلامی بکشانیم،



از صفحه ۷

بسوی انزوای بین المللی...

نیروی مردم در این کشورها است. وقتی افکار عمومی، سازمانهای چپ، سازمانهای کارگری، سازمانهای مترقی، بسیج بشوند و خواست محکومیت و بایکوت جمهوری اسلامی را مطرح کنند این اهرم فشار موثری خواهد بود بر دولتها. ما روی این نیرو حساب میکنیم و فکر میکنم امروز تا حدی که این سیاست به پیش رفته بخاطر آگاهی افکار عمومی جهان از جنایتهای جمهوری اسلامی بوده است. نظیر فاجعه شلیک به هواپیما که دیگر هیچ دولتی نمیتوانست آنرا محکوم نکند. یا شلیک به مردم در آبان ماه. یا اعدامهای جوانان معترض مثل نوید افکاری که امروز دیگر به عرصه مهم اعتراضات جهانی علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

بنابراین هم از نظر شرایط سیاسی دنیا هم از نظر تکنولوژی ارتباطات که اجازه میدهد مردم دنیا اینطور با یکدیگر در ارتباط باشند، خودشان گزارشگر و خبرنگار اعتراضات خودشان باشند و به یک همبستگی بین المللی شکل بدهند، شرایط برای پیشبرد سیاست بایکوت جمهوری اسلامی فراهم و مساعد است. همان اتفاقی میتواند و باید برای جمهوری اسلامی بیفتد که برای دولت آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی افتاد.

خلیل کیوان: پیش تر از انزوای سیاسی صحبت میشد. اکنون انزوای ورزشی و فرهنگی نیز مطرح میشود. اما این موضوع بحث و جدلهائی

دنبال داشته است. عده ای میگویند کش دادن مساله تا اینجا درست نیست. میگویند چرا باید ورزشکاران و هنرمندان از حضور در مسابقات و جشنواره ها دستشان کوتاه بشود؟ به این خاطر برخی میگویند این تقاضای درستی نیست. و یا لاقل سئوالات و ابهاماتی دارند و موضوع برایشان سر راست نیست. شما در این مورد چه فکر میکنید؟

حمید تقوائی: تبعیضات و حق کشی ها و جنایتهای جمهوری اسلامی در عرصه فرهنگی و ورزشی هم کاملا قابل مشاهده است. اینطور نیست که جامعه ورزشی و یا فرهنگی و هنری در ایران آزادانه مشغول فعالیت است و صابون سرکوبگریها و جنایتهای حکومت به تنش نخورده است. مثلا در عرصه ورزش اولاً ۵۰ درصد جامعه یعنی زنان از خیلی از رشته های ورزشی محروم هستند. حتی نمیتوانند تماشای مسابقات در استادیومها باشند. حتی در آن رشته هائی هم که برای زنان مجاز شمرده میشود چنان محدودیتها و موانعی نظیر حجاب و لباس اسلامی و اجازه شوهر و مردان خانواده و غیره را بر سر راهشان قرار میدهند که عملاً موضوع منتفی میشود. در مسابقات شطرنج چندی پیش دیدیم که چون یک زن ایرانی حاضر نشد حجاب بر سر کند از مسابقات محروم شد. در مسابقات کشتی می بینیم بارها از کشتی گیران خواسته اند در مسابقه ببازند تا در دور

بعد با حریف اسرائیلی روبرو نشوند. میخواهم بگویم ایدئولوژی اسلامی حکومت کاملا دست و پای ورزشکاران را بسته است.

در جامعه فرهنگی و هنری هم وضعیت از همین قرار است. سانسور بیداد میکند. فیلمها، نمایشنامه ها، کتابها و رمان ها باید از زیر تیغ سانسور رد بشوند. موسیقی با هزار محدودیت روبرو است. نه تنها نواختن بلکه حتی گوش کردن به آهنگها و ترانه های شاد از نظر حکومت جرم محکوم میشود. زنان حق ندارند آواز بخوانند و غیره و غیره. به این شرایط باید فساد و باندبازی و تبعیض و غیره که جامعه ورزشی و فرهنگی و هنری را، نظیر دیگر بخشهای جامعه، در بر گرفته است اضافه کرد. در برابر این وضعیت بسیاری از هنرمندان و نویسندگان صدای اعتراضشان را بلند کرده اند و یک تقابل هر روزه بین جامعه فرهنگی و ورزشی و جمهوری اسلامی در جریان است.

نکته دیگر اینکه ورزشکاران بخشی از جامعه هستند و بعنوان یک شهروند تحت انواع بیحقوقی ها و تبعیضات و مصائب قرار دارند. از مسائل معیشتی تا بیحقوقی های سیاسی و تبعیض مفرطی که در حق زنان اعمال میشود تا تبعیض علیه مردم منسوب به مذاهب و ملیتهای دیگر و تا زندان و شکنجه و اعدام و غیره و غیره. بنابراین ورزشکاران بعنوان بخشی از شهروندان هم باید خواهان این باشند که جمهوری اسلامی بعنوان حکومت ایران برسمیت شناخته نشود. عدم شرکت آنها در مسابقات ورزشی و یا

فستیوالهای هنری و سینمایی و غیره شبیه یک اعتصاب است. اعتصاب برای رسیدن به حقوق خود و تحقق اهداف انسانی و آزادیخواهانه ای که همه مردم دنبال میکنند.

بنابراین از هر نظر نگاه کنید این استدلال که نباید خواهان بایکوت ورزشی - فرهنگی جمهوری اسلامی شد چون هنرمندان و ورزشکاران از مناسبتهای جهانی محروم میشوند درست نیست. تحریم ورزشی حکومت را باید بخشی از مبارزات توده ای و عمومی برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی دانست.

خلیل کیوان: برخی از دولت ها و احزاب و شخصت هایی که جمهوری اسلامی را محکوم میکنند و خواهان انزوای آن هستند ارتجاعی اند. بعضا حتی شخصیتها و احزابی هستند که راست افراطی و فاشیست هستند و کارنامه خوبی ندارند. به این خاطر کسانی سیاست نه به دولتها و احزاب راست و نه به جمهوری اسلامی، یک نوع سیاست جبهه سومی، را رهگشا میدانند. نظر شما چیست؟

حمید تقوائی: ما در اعلام اینکه باید جمهوری اسلامی منزوی بشود طرف خطابمان همه دولتها هستند. همه دولتها و احزاب و سازمانها. تا آنجا که به سیاست خود آن دولتها و احزاب مربوط میشود ما هر جا لازم باشد نظر و موضعمان را اعلام میکنیم و آنها را نقد و افشا میکنیم. ولی هیچ شرط و شروطنی بر سر محکوم کردن و انزوی جمهوری اسلامی قرار نمیدهیم. شما گفتید تعدادی از این احزاب و دولتها راست هستند

و کارنامه خوبی ندارند من میگویم همه دولتها و اکثر قریب به اتفاق احزاب چنین اند. دولتها بالاخره دولتهای بورژوائی هستند و حتی لیبرال ترین آنها را هم که در نظر بگیرد بسیاری از سیاستهایشان ارتجاعی است و باید محکوم بشود. چه برسد به احزاب و دولتهای فاشیستی و راسیستی. حتی نهادها و اتحادیه های کارگری که ما در بسیاری از موارد از آنها میخواهیم از مبارزات کارگران در ایران حمایت کنند و یا همین سیاست انزوای جمهوری اسلامی را در پیش بگیرند آنها هم در بسیاری از موارد، مثل حمایت از احزاب راست و بورژوائی در انتخاباتها، مواضع و عملکردشان قابل انتقاد است. اینجا هم ما نقد و بحث خودمان را داریم. ولی این موضوع نباید سیاست بایکوت جمهوری اسلامی را مخدوش کند.

ببینید ما از هیچ دولت و حزبی بخاطر محکوم کردن جمهوری اسلامی حمایت نمیکنیم و یا حتی در برخورد به آنها تخفیف نمیدهیم. مثلا دولت ترامپ در بسیاری موارد علیه جمهوری اسلامی موضع میگیرد و جنایتهایش را محکوم میکند. از جمله در همین مورد اعدام نوید افکاری پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا اعتراض کرد. ما این را نه نشانه مترقی بودن اینها میدانیم و نه به این خاطر ذره ای از تقدمان به مواضع و سیاستهای راسیستی و فوق ارتجاعی ترامپ و دولتش کم میشود. در برخورد به همه احزاب و نیروهای راست هم سیاست ما همین است. در ادامه در صفحه ۹



دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون خطر سوسیالیسم، به چه منجلا بی بدل میشود! منصور حکمت

بسوی انزوای بین المللی...

عین حال ما خواهان آن هستیم که هر دولت و حزبی با هر سیاستی باید جمهوری اسلامی را محکوم کند و این اتفاقی است به نفع مردم ایران و به نفع صف انقلاب علیه جمهوری اسلامی. همه مردم ایران خواستشان این هست که جمهوری اسلامی در جهان منزوی شود. و ما هم همین سیاست را دنبال میکنیم و همین را میخواهیم. نکته دیگر اینست که وقتی دولتی و یا یک حزبی جمهوری اسلامی را محکوم میکند مواضع و سیاستهای دیگرش را مینا و ملاک برخورد به موضعش در قبال جمهوری اسلامی قرار نمیدهیم. همانطور که گفتیم ما خواهان طرد جمهوری اسلامی از جانب همه دولتها و نیروها هستیم. سیاستهای راست دولتها و احزاب را باید نقد و افشا کرد و حزب ما در همه کشورهای اروپائی و آمریکای شمالی که حضور دارد علیه سیاستهای راست دولتها مثلا دربرخورد به پناهنگان و برخورد به نیروهای اسلامی و غیره بسیار فعال است. ولی وقتی دولتی جمهوری اسلامی را محکوم میکند این عملش را بخاطر سیاستهایش در قبال مسائل دیگر رد نمیکنیم و بزیر سؤال نمیبریم. تا آنجا که به موضعش در قبال جمهوری اسلامی برمیگردد به خواست مردم ایران تمکین کرده است حال به هر دلیلی و با هر محاسباتی که خودش دارد. ولی همین نیرو هر قدمی، هر موضعی و هر حرکتی علیه مردم، چه مردم ایران و چه علیه مردم در کشور خودش و چه کلا علیه صف آزادیخواهی

و برابری طلبی داشته باشد با نقد ما روبرو خواهد شد. ما انرا افشا میکنیم و مقابله می‌ایستیم.

ببینید فراخوان ما به بایکوت رژیم اسلامی یک معامله یا توافق دیپلماتیک نیست. اینطور نیست که ما از دولتها و یا از احزاب میخواهیم جمهوری اسلامی را محکوم کنند و در عوض ما هم مثلا با لحن ملایم تری به آنها برخورد میکنیم. سازش و معامله ای در کار نیست. هر حزب و دولتی همانطورکه اشاره کردم اساسا در اثر فشار افکار عمومی در کشور خودش و در سطح جهانی یا هر محاسباتی سیاسی ای که دارد علیه جمهوری اسلامی موضع میگردد. بخاطر این موضعگیری قرار نیست کسی امتیازی یا تخفیفی به این دولتها و نیروها بدهد. ما بحث و نقد خودمان را علیه نیروهای ارتجاعی همیشه مطرح کرده ایم. همانطور که بیشتر بحثهای انتقادی علیه ترامپ را حزب ما مطرح کرده است. یا کلا علیه نیروهای راست در اروپا و یا دولتها و احزابی که سیاستها ارتجاعی در رابطه با پناهندگان دارند و غیره.

ولی همین حزب از همین نیروها میخواهد که جمهوری اسلامی را محکوم و بایکوت کنند. این دو را نباید با هم مخلوط کرد و باید به جا و به درست از هر دو این جنبه ها به این نیروها برخورد کرد. سیاستهای ارتجاعی شان را همه جا نقد کرد و در عین حال از همه انتظار داشت و فراخوان داد که جمهوری اسلامی را طرد و منزوی کنند. این خطی است که ما

به پیش میبریم.

خلیل کیوان: سؤال آخر را مطرح میکنم. شما میتوانید در پاسخ نوعی جمعبندی از بحث را هم ارائه بدهید. درستی سیاست انزوای بین المللی جمهوری اسلامی به نظر من روشن شده است. نه فقط از این نظر که تاریخا نمونه آفریقای جنوبی را داشتیم، بلکه بخاطر اینکه در مورد جمهوری اسلامی هم می بینیم دارد جواب میدهد. چقدر به کارآ بودن این سیاست و به موفقیتش خوش بین هستید؟ آیا این سیاست میتواند جمهوری اسلامی را در پرتگاهی قرار بدهد که مردم ایران ضربه آخر را به آن وارد کنند؟

حمید تقوائی: بی تردید آن نیروی اساسی که با جمهوری اسلامی تعیین تکلیف خواهد کرد و جامعه را آزاد و رها خواهد کرد نیروی توده مردم ایران است: صف کارگران و صف زنان و جوانان و جنبشهای اعتراضی مختلف نظیر جنبش علیه اعدام، جنبش داخواهی و جنبش خانواده های اعدامیان و زندانیان سیاسی و غیره. این نیرو تعیین کننده است. و همانطور که توضیح دادم بخاطر بمیدان آمدن این نیرو هست که دولتهائی به سمت محکوم و منزوی کردن جمهوری اسلامی سوق پیدا میکنند.

استراتژی حزب ما برای سرنگونی جمهوری اسلامی به این نیرو متکی و مبتنی است. هدف ما متحد کردن و سازماندهی صف انقلاب، صف کارگران و توده مردم محروم،

سرنگون باد حکومت چپاول و جنایت اسلامی

DOWN WITH THE ISLAMIC REGIME OF IRAN

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

این حکومت موضع بگیرند. دولتی وقتی میبندد جمهوری اسلامی بی ثبات است و رفتنی است حتی برای حفظ منافع خودش هم که شده از ان فاصله میگیرد.

در مورد آفریقای جنوبی هم عینا همین اتفاق افتاد. در آن زمان دولت مارگارت تاجر در انگلیس و رونالد ریگان در آمریکا جزء آخرین دولتهائی بودند که به صف بایکوت دولت آپارتاید آفریقای جنوبی پیوستند ولی بالاخره ناگزیر شدند چنین موضعی بگیرند. همانطور که اشاره کردید دولت سوئد پیشقدم بود ولی حتی دولتهای راست افراطی هم بالاخره تشخیص دادند رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی قابل دوام نیست و باید دست از حمایتش بردارند. و از ای. ان. سی، کنگره ملی آفریقا که رهبری انقلاب آفریقای جنوبی را بعهده داشت پشتیبانی کنند.

چنین تحولی میتواند در مورد ایران هم اتفاق بیفتد. نمونه هایش را امروز داریم می بینیم و من فکر میکنم با گسترش اعتراضات در ایران این نمونه ها بیشتر خواهد شد و دولتها و سازمانهای جهانی هر چه بیشتری به صف بایکوت سیاسی و ورزشی و فرهنگی جمهوری اسلامی خواهند پیوست.*

که امروز ۹۹ در صدیها نامیده میشوند، برای بزیر کشیدن حکومت و در هم کوبیدن نظام موجود است. منتهی همین صف انقلاب و مبارزه برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی یک عرصه فعالیت اش این است که جمهوری اسلامی را در جهان منزوی کند. این تحول به نوبه خودش بر پیشروی صف انقلاب در ایران تاثیر میگذارد، آنرا تقویت میکند و توده های وسیعتری را در خود ایران به صف انقلاب میکشاند. مردمی که بینند جمهوری اسلامی در دنیا منزوی شده با اعتماد به نفس و جرات و جسارت و عزم جزم تری برای بزیر کشیدن حکومت بمیدان می آیند. این تاثیرات متقابل جبهه تعرض به جمهوری اسلامی، در سطح جهانی و در خود ایران، بر یکدیگر است. و در این میان روشن است که نیروی تعیین کننده صف انقلاب در خود ایران است.

پرسیدید چقدر سیاست بایکوت جهانی رژیم میتواند موفق شود. به نظرم تحولات اخیر نشان میدهد که میتوانیم پیشرویهای بیشتری در این جهت داشته باشیم. مبارزات رادیکال مردم و صفتبندی جامعه علیه جمهوری اسلامی دولتها را به این صرافت می اندازد که علیه



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiiran.org

از صفحه ۴

نیشکر هفت تپه: خلع ید از اسد بیگی...

مطالباتشان ادامه دارد. در هر حال همانطور که اشاره کردم با این اتفاق کارگران نیشکر هفت تپه توانستند سنگر مهمی را فتح کنند و این یک موفقیت بزرگ برای آنان است. زنده باد کارگران نیشکر هفت تپه!

ساناز سینایی: به نظر

شما اهمیت خلع ید از اسد بیگی و بخش خصوصی در چیست و با خلع ید از بخش خصوصی قرار است شرکت چگونه اداره شود و کارگران روی چه سازو کارهایی تاکید دارند؟

شهلا دانشفر: بحث بر

سر خصوصی یا دولتی نیست. بلکه بحث بر سر اینست که به اسم خصوصی سازی بساط چپاول و دزدی ای به راه افتاده است که بخش های مختلف حکومتی در آن دست دارند. از جمله اسد بیگی و باند مافیایی او و بساط چپاولی که آنها در هفت تپه برپا کردند آینه مجسمی از آنچه در مراکز دیگر کارگری میگذرد و آنچه تحت حاکمیت یک سرمایه داری رانت خوار و دزد و چپاولگر در سطح جامعه میگذرد را مقابل چشمان همه گذاشت. تحت عنوان خصوصی سازی دست کارفرمایان برای بیکارسازی های وسیع و به تباهی کشاندن هر روز بیشتر معیشت کارگران باز گذاشته شده است. این بساط را ما در هیکومی بینیم. در آذربایجان می بینیم و در نیشکر هفت تپه و در بسیاری از مراکز کارگری دیگر می بینیم. نیشکر هفت تپه به چالش این بساط برده وار کاری و رانت خواری و دزدی رفت و به صدای اعتراض کل جامعه تبدیل شد. خلع ید از اسد بیگی سنگر

متحد بمانند، برای اینکه در برابر تفرقه افکنی های حکومت نگذارند صف اعتراضشان در هم بشکند و برای اینکه قدرتمند عمل کنند شورایی تصمیم میگیرند. با این گفتمان ها، با این شکل از سازمانگری اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه توانسته اند در مقابل سرکوبگران حکومت بایستند و اعتراض قدرتمندی را به جلو ببرند.

بدین ترتیب این کارگران با اتکاء به شورای خود و مجمع عمومی شان توانستند متحد بمانند و الگوی موفق از اعتصاب و مبارزه را مقابل جنبش کارگری و کل جامعه قرار دهند. اعتصاب این کارگران مکان واقعی شوراها را با اتکاء به تصمیم گیری متحدانه در مجمع عمومی به روشنی به نمایش گذاشت. این کارگران در دور قلمی اعتراضاتشان در سال ۹۷ از اداره شورایی به عنوان آلترناتیو برای ایستادن در مقابل دزدی و فسار از بالا تا پایین و برای متحد شدن کارگران و کل جامعه حول خواستها و اعتراضاتشان سخن گفتند. در اعتصاب اخیر این الگو را خود بدست گرفتند و ممکن بودن آنرا نشان دادند. مساله دیگر مضمون اعتراض این کارگران است. کارگران نیشکر هفت تپه با اعتراض علیه دزدی و چپاول و علیه فقر و تبعیض و نابرابری توانستند به صدای اعتراض همه کارگران و کل جامعه تبدیل شوند. و بالاخره اشکال اعتراضی این کارگران است. کشاندن اعتراض به سطح شهر و جلب همبستگی های مردمی، جلو آمدن صفی از رهبران کارگری و سخنرانی های پرشورشان، قرار داشتن خانواده ها در کنار صف اعتراضات بویژه در دور قلمی اعتصابات هفت تپه در سال

۹۷، جهانی شدن صدای اعتراض این کارگران و جلب حمایت بخش های دیگر کارگری و بخش های مختلف جامعه همه و همه جایگاه و اهمیت مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه را به نمایش میگذارد. کارگران نیشکر هفت تپه با تصمیم گیری های بموقع در مقاطع مختلف اعتراضاتشان هوشیارانه عمل کردند. از جمله تقسیم کاری که در میانشان بود جالب و قابل توجه بود. از جمله در جاهایی با قدرت شورایی خود وارد عمل مستقیم شدند و جلوی حراج کردن زمین های کشت را گرفتند. بدین ترتیب که روزانه بخشی از آنها در مقابل فرمانداری تجمع داشتند و بخشی بر انجام کشت نظارت میکردند و جلوی چپاول زمین های هفت تپه را می گرفتند. وقتی هم در مقطعی با دستگیری همکارانشان روبرو شدند با خشم و نفرت به خیابان ریختند و موفق به آزادی آنان شدند. همچنین زیر فشار اعتراض این کارگران بود که بازداشت شدگان اعتراضات سال ۹۷ هفت تپه آزاد شدند و پرونده هایشان بسته شد و اکنون نیز یک خواست فوری آنها بازگشت به کار اسماعیل بخشی رهبر محبوبشان و دیگر همکاران اخراجی شان است. در دل چنین مبارزات قدرتمندی است که صفی از رهبران کارگری در هفت تپه جلو آمدند و به سخنرانان شجاع و ورزیده ای تبدیل شده اند. از جمله به قول خود این کارگران امروز در هفت تپه ۵ هزار رهبر کارگری با اندوخته ای از تجربه را میتوان دید. اینها همه جایگاه و اهمیت اعتصاب هفت تپه را به روشنی بیان میکند. اینها همه صحنه هایی درخشان و تجربیاتی درخشان از یک مبارزه ایست که به راستی بیسابقه است.

این چنین است که کارگران نیشکر هفت تپه با مبارزاتشان توانستند گفتمانهای رادیکال و تعرضی ای را علیه فقر، گرانی، اختلاسها و اداره شورایی را در کل جامعه به جلو بیاورند. توانستند توازن قوا را به نفع مبارزات دیگر بخش های کارگری و کل جامعه تغییر دهند و در پرتو این مبارزات و فضای پر تلاطم جامعه بود که ۲۵ هزار کارگر پاپیونگ پیمانی نفت نیز به میدان آمدند. بطوریکه امروز گفتمان برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری بیش از هر وقت در جامعه تقویت شده و بستر آن نیز فراهم تر شده است.

خلاصه کلام اینکه از دل این اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه قویتر و متحد تر بیرون آمده اند. برای مثال همین الان دولت برای اینکه کنترلی بر اوضاع داشته باشد در کنار عقب نشینی هایش تهدیداتی را شروع کرده است. از جمله در همین هفته هفت نفر از کارگران تحت عنوان فراخوان دهنده اعتصاب احضار شده اند. حتی از طریق عوامل خود سعی کرده اند درگیری هایی با کارگران معترض به راه بیندازند. در مقابل این دسیسه چینی ها کارگران اعلام کرده اند که این اعتصاب کار یک نفر و یا چند نفر نبوده است. بلکه تصمیم شورایی ۵ هزار کارگر بوده است. اینها همه دستاوردهایی بزرگ نه فقط برای کارگران نیشکر هفت تپه بلکه برای همه کارگران و کل جامعه است. به این اعتبار امروز کارگران نیشکر هفت تپه در موقعیت بسیار قویتری برای پیگیری خواستههایشان و تثبیت موفقیت های بدست آورده خود قرار دارند.

ساناز سینایی: متشکرم

که همراه این برنامه بودید.*



بیانیه‌ها در محکومیت اعمال ضد حقوق بشری، برای به رسمیت شناخته شدن حقوق مردم ایران توسط حکومت کافی و چاره ساز نیست. باید محدودیت‌های سیاسی جدی و عملی در سطح جهانی تا زمان تن دادن به رعایت حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم علیه حکومت ایران اعمال گردد.

این نامه از جانب انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای نقاشان البرز، شورای بازنشستگان ایران، تشکل مستقل دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان، دانشجویان پیشرو دانشگاه آزاد نجف آباد اصفهان، جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه های هنر تهران، گروهی از فعالین کارگری سقر و گروهی از فعالین لغو کار

حمید تقوایی: فراخوان کارگران و دانشجویان به طرد جهانی جمهوری

این نامه اعلام میشود: "ما مردم ایران، بخشی از گستاخی حکومت در برابر مردم جامعه را نتیجه ممانتهای بین المللی می دانیم که هنوز علیرغم کشتار و اعدام شهروندان در محافل، مجامع و سازمان‌های جهانی پذیرفته می شود و روابط سیاسیش با دنیای خارج برقرار است. بنابراین مجامع بین‌المللی نیز مسئول هستند. ما مصرانه از شما می‌خواهیم تا با فشار آوردن به مجامع بین المللی، خواستار آن شوید که بر حکومت ایران فشار بیاورند تا دست از کشتار، شکنجه و اعدام بردارد و حقوق پایه ای مردم ایران را به رسمیت بشناسد. صدور

در هفته های اخیر در اعتراض به حکم اعدام نوید افکاری و سپس در اعتراض به قتل او حرکت گسترده ای در ایران و در سطح جهانی شکل گرفته است. این اعتراضات در روند پیشروی خود روزبروزبیشتر حول خواست و هدف طرد و تحریم سیاسی و ورزشی و فرهنگی جمهوری اسلامی در سطح جهانی متمرکز و هم جهت میشود. در روز اول مهر نامه سرکشاده ای خطاب به عفو بین الملل از جانب تشکله و گروه‌هایی از فعالین کارگری، بازنشستگان، دانشجویان و فعالین لغو کار کودکان منتشر شد که باید آترا گام بلندی در این جهت به شمار آورد. در

ایران است. آترا به رسمیت نشناسید!" باید تلاش کرد این حرکت هر چه گسترده تر بشود. این گام مهم و تعیین کننده ای در جهت متوقف کردن کشتارها و اعدامها و سرکوبگریها در ایران و نهایتا بزیر کشیدن جانیان حاکم است.*

۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰
۶ مهر

کودکان امضا شده است، اما خواست اکثریت عظیم مردم ایران را نمایندگی میکند. این تشکله و گروهها پیشروان موج اعتراضی و جنبش تازه ای هستند در فراخواندن جامعه جهانی به طرد حکومت کشتار و اعدام در ایران. فراخوانی که با صدای بلند به جهانیان اعلام میکند" جمهوری اسلامی نماینده مردم ایرن نیست، قاتل مردم

گرامی یاد کارگر کمونیست محمد جراحی



جسور بود که خطرات راهی که انتخاب کرده بود را بخوبی میدانست. او پنج سال در زندان جمهوری اسلامی بدون یک روز مرخصی فشار و شکنجه و محدودیت را تحمل کرد و خم به ابرو نیاورد. وقتی در دادگاه جمهوری اسلامی رئیس این دادگاه یکی از اتهامات او را سوسیالیست بودن اعلام کرد او گفت "بله من چپ و سوسیالیست هستم. ما از حقوق مردم دفاع میکنیم. مثل شما رانت خواری نمیکنیم. مثل شما رشوه نمی خوریم. سوسیالیست یعنی کسی که از حقوق کارگران و مردم دفاع میکند". در پاسخ به تعرضاتی که در این دادگاه به او شد به رئیس دادگاه که نام فامیلش

گرامی یاد کارگر کمونیست محمد جراحی

یک سال پیش روز ۱۳ مهرماه سال ۹۶ محمد جراحی بعد از تحمل سالها بیماری سرطان برای همیشه ما را ترک کرد. محمد جراحی را همچون شاهرخ زمانی دوست نزدیکش، در واقع جمهوری اسلامی کشت. او را در شرایط نامناسب بهداشتی بیش از ۵ سال در زندان نگه داشتند. محمد به بیماری سرطان تیروئید مبتلا شد و بیماریش خیلی زود اوج گرفت. مقامات زندان عامدانه امکان دسترسی به درمان و دارو را در زندان برای او فراهم نکردند و نهایتا وقتی

شد. او در یک مصاحبه کوتاه گفت اگر امید برای رهایی طبقه کارگر از شر سرمایه داری وجود داشته باشد این حزب است.

از آرشو:
حزب کمونیست
کارگری ایران
مهر ۱۳۹۷
سپتامبر ۲۰۱۸

"حمله ور" بود گفت "واقعا سزاوار این نام هستی. نام محمد جراحی برای همه کارگران آگاه نامی دوست داشتنی و آشناست. او چند ماه بعد از آزادی از زندان از حزب کمونیست کارگری تقاضای عضویت کرد و با توجه به سابقه طولانی مبارزه و فعالیت چپ و کارگری اش بعنوان کادر حزب پذیرفته

سایت حزب کمونیست کارگری ایران
www.wpiran.org



حکومت اعدام ها باید در جهان طرد و منزوی شود!

۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام
فرجه ای است برای برافراشتن پرچم انزوای سیاسی
و هنری و ورزشی جمهوری اسلامی در سطح جهانی.

حکومت اعدام ها باید در جهان طرد و منزوی شود!

اعدام یک قتل عمد دولتی است. هدف دولتها از اعدام مرعوب کردن و به تمکین کشاندن جوامع زیر سطله شان است. سلاح اعدام را باید از دست دولتها گرفت و برای همیشه مدفون کرد!

جمهوری اسلامی حکومت اعدام است و نمیتواند از اعدام دست بکشد. اعدام یک رکن مهم استراتژی بقا برای جمهوری اسلامی است. این حکومت با طناب دار و اعدام متولد شده است و با طناب دار میخواهد به حیات ننگین و خونینش ادامه دهد. این حکومت در همان دهه اول حیاتش با فتوای خمینی هزاران انسان معترض را در بیدادگاههای چند دقیقه ای به اعدام محکوم و قتل عام کرد. ابراهیم رئیسی، عضو هیئت مرگ آن دوره همین امروز رئیس دستگاه قضایی آدمکش این حکومت است.

حکومت اسلامی رکورددار اعدام است اما هرگز نتوانسته است مردم معترض را مرعوب کند. علیرغم همه این همه جنایاتش، اعتراض و اعتصاب و مقابله با همه جلوه های این حکومت توسط کارگران و زنان و جوانان به داستان زندگی روزمره مردم و حکومت تبدیل شده است. دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ مردم معترض در صدها شهر علیه جمهوری اسلامی بپاخاستند و با شعار سرنگونی حکومت با نیروهای سرکوب این حکومت در خیابانها مقابله کردند. صدها نفر به در خیابانها قتل عام شدند، هزاران معترض در زندانها هستند و جمهوری اسلامی قصد دارد با احکام اعدام جامعه را مرعوب کند! اما اگر حکومت اسلامی

آلمان و فرانسه را لغو کنند! به یمن جنبش اعتراضی علیه اعدامها در ایران است که ۴۷ کشور عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل جمهوری اسلامی را بخاطر جنایاتش محکوم کردند. مردم ایران میتوانند یک حکومت منزوی در جهان را آسانتر و سریعتر به زیر بکشند.

حزب کمونیست کارگری، با تمام توان و با تمام امکاناتش برای راندن حکومت اسلامی به چنین موقعیتی مبارزه میکند و از مردم انساندوست و از همه نهادها و سازمانهای چپ و آزادیخواه در جهان، و از همه مردم آزاده ایران و کلیه تشکل های مردمی، فعالین و نهادهای جنبش کارگری، جنبش دادخواهی و سایر جنبشهای حق طلبانه در ایران دعوت میکند که برای پایان دادن قطعی به اعدام در ایران، برای آزادی زندانیان سیاسی، برای پایان دادن به عمر یکی از بزرگترین ماشینهای اعدام در جهان یعنی جمهوری اسلامی، به صف مبارزه برای طرد و انزوای جهانی رژیم اعدام در ایران بپیوندند.*

حزب کمونیست

کارگری ایران

۸ مهر ۱۳۹۹

۲۹ سپتامبر ۲۰۲۰

سرنگونی است. بعد از قتل عام موشکی ۱۷۶ مسافر در آسمان انزجار از حکومت اسلامی جهانی شد، و سپس حکم اعدام و قتل نوید افکاری نفرت علیه جمهوری اسلامی را بیش از پیش جهانی کرد. ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام فرجه ای است برای برافراشتن پرچم انزوای سیاسی و هنری و ورزشی جمهوری اسلامی در سطح جهانی.

حکومت اسلامی یک حکومت آپارتاید جنسی، ضد زن و ضد بشر است. این حکومت را در جهان باید به وضعی بیاندازیم که مثل حکومت نژاد پرست آفریقای جنوبی از همه نهادهای سیاسی، ورزشی، هنری و علمی جهان بیرون انداخته شود. به یمن کمپین جهانی علیه اعدام در جمهوری اسلامی، هم اکنون موجی از اعتراض توسط نهادها و دولتها و شخصیتهای سیاسی و ورزشی و هنری برای انزوای حکومت اسلامی شروع شده است. به یمن این جنبش قدرتمند و انزجار و نفرت مردم جهان است که دولتهای فرانسه و آلمان و انگلستان ناگزیر شدند به جمهوری اسلامی اعتراض کنند و سفر وزیر خارجه شارلاتان جمهوری اسلامی به

تنها در مقابل قضات بیرحم حکومت اسلامی ایستاد و مضحکه ای به نام دادگاه را به یک محاکمه جهانی کل نظام قضایی مافیایی جمهوری اسلامی تبدیل کرد. قتل نویدجنبش علیه اعدام را گامهای بلندی به جلو کشید. این جمله تاریخی نوید که «برای طنابشان دنبال یک گردن میگردند» (فورا در دل میلیونها انسان در ایران و جهان نشست و به جنبش علیه اعدام که سالهاست در میان مردم ریشه گرفته است قدرت بیشتری داد. جنبشی که قصد دارد اعدام این ابزار جنایت علیه جان و زندگی مردم و بقا برای لاشه متعفن جمهوری اسلامی را از دست حکومت بگیرد و نه تنها جان انسانها را نجات دهد بلکه به عمر ننگین آن هم پایان دهد. جنبشی که برای نجات جان نوید افکاری به راه افتاد و مرزهای ایران را در نوردید، ادامه یک تقابل بنیادی و تعطیل ناپذیر میان دو نیرو است: از یکطرف جمهوری اسلامی که باید بکشد تا نابودی کامل لاشه متعفنش را شاید کمی عقب بیاندازد، و از طرف مقابل جنبشی برای پایان دادن به اعدام و سرنگونی کامل این حکومت. جنبش علیه اعدام در ایران حلقه ای مهم از جنبش



فراخوان به آکسیون سراسری علیه جمهوری اسلامی در روز جهانی علیه اعدام

جمهوری اسلامی قاتل مردم است و نباید بعنوان دولت ایران برسمیت شناخته شود
مجازات اعدام و کلیه احکام اعدام باید لغو شود
کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند



دی ۹۶ و آبان ۹۸ در بیدادگاه های حکومت به اعدام محکوم شده اند و جنایتکاران با شکنجه و تهدید تلاش میکنند آنها را به اعترافات اجباری بکشاند و حتی پدر و مادر دردمندشان نیز تحت فشارند تا عزیزانشان را اوباش معرفی کنند.
دنیا باید بپاخیزد و در مقابل اینهمه سببیت از مردم ایران برای رهایی از شر این حکومت فعالانه حمایت کند.
ده اکتبر فرصتی است که در همه شهرهای جهان دست به

زندان و اعدام محکوم کرده اند. جنبش ده میلیونی در مدیای اجتماعی علیه اعدام، خشم و نفرتی که علیه احکام اعدام معترضین آبان و اعدام نوید افکاری در ایران و در سطح بین المللی به راه افتاد جنبش علیه اعدام را به نقطه تازه ای برد. امروز این جنبش از همیشه بیشتر جهانی شده است. جا دارد که روز جهانی علیه اعدام را به روزی قدرتمند علیه اعدام و حکومت اعدام تبدیل کنیم.
دهها نفر از جوانان خیزش

اینها پیام و فراخوان ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام و روز اعتراض به حکومت اعدام در ایران است. جمهوری اسلامی در سطح جهان از همیشه بی آبروتر و منزوی تر است. فضای تند اعتراضی در ایران به فشار سیاسی بیشتری علیه جمهوری اسلامی در سطح بین المللی تبدیل شده است. از نهادهای ورزشی و عفو بین الملل تا دهها دولت در سراسر جهان جمهوری اسلامی را بخاطر سرکوب مردم، شکنجه و

جمهوری اسلامی همان کاری را بکنند که با حکومت نژادپرست آفریقای جنوبی کردند. هر درجه فشار سیاسی جهانی علیه جمهوری اسلامی کار مردم در ایران را برای سرنگونی این حکومت ساده تر خواهد کرد.

تلاش بزینم و این روز را به سکوی پرشی برای سالروز خیزش آبان تبدیل کنیم.
در هر شهر و کشوری که هستید در تجمعاتی که علیه اعدام برپا میشود شرکت کنید و یا خود مبتکر برپایی تجمعات اعتراضی علیه جمهوری اسلامی بشوید. از دولت ها و احزاب حاکم در کشوری که زندگی میکنید که این حکومت را به رسمیت نشناسند و آنرا بایکوت سیاسی کنند. بخواهید که با

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری
ایران
۲۹ سپتامبر ۲۰۲۰



کمیته آذربایجان
حزب کمونیست
کارگری ایران
۶ مهرماه
۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰

میروند که دولتهای حاکم به این کشورها را برای اعلام آتش بس فوری و بیرون کشیدن نیروهای نظامی خود از منطقه قره باغ تحت فشار قرار دهند.

حکومتها.
این جنگ و این کشت و کشتار باید بلافاصله پایان یابد.
حکومت‌های منطقه باید نیروهای نظامی خود را از منطقه قره باغ بیرون بکشند.
ساکنین منطقه قره باغ باید حق داشته باشند که مسایل و امور اداری خود را به هرکدام از دولتهای منطقه ارجاع بدهند. از مردم شریف هم جمهوری آذربایجان و هم جمهوری ارمنستان انتظار

به جنگ در قره باغ باید فوراً پایان داده شود!

از آن‌ها بزبان آذری تکلم میکنند و بخشی بزبان ارمنی، ۶سالین سال و جد اندر جد در کنار هم در صلح و آرامش زندگی کرده اند، امروز از طرف حکومت‌های منطقه و ناسیونالیسم ترک و ناسیونالیسم ارمنی دشمن همدیگر تصویر میشوند و قربانی منافع ضد بشری این

جنگ افروزی یکی از وسیله های حکومتها برای ادامه بقاست!
جنگ بین طبقات حاکم در آذربایجان و ارمنستان بار دیگر شعله‌ور شده و در حال گرفتن جان مردم و خانه خراب کردن و آواره کردن ساکنین منطقه ناگارنو قره باغ است. مردمانی که بخشی

جامعه ای برابر، جامعه ای که همه از رفاه برخوردار باشند، یک جامعه سوسیالیستی که امکانات تولیدی اش به همه بطور یکسان تعلق دارد، وجود دارد. اینرا تضمین میکنیم. جامعه ایران تشنه سوسیالیسم است.

اسلامی باشد و بار دیگر اقلیتی صاحب مالکیت و امتیازات فراوان باشند و بر اکثریت حکومت کنند. نه دیگر قرار نیست اینطور باشد. نمیگذاریم اینطور بشود. نیروی انسانی کافی برای ساختن جامعه ای انسانی،

باشند. مردم اینرا در شعارهایشان فریاد میزنند، در افشاگری هایشان علیه مفتخوران حاکم میگویند و در بیانیه هایشان مینویسند. قرار نیست اینهمه اعتصاب و اعتراض، اینهمه قربانی دادن و زندان کشیدن، اینهمه تلاش برای یک زندگی انسانی حاصلش فقط رفتن جمهوری

سوسیالیسم را در ایران برقرار خواهیم کرد

چیز نباشند، اکثریت کار کنند و این اقلیت پروار شود. یک مشت آقازاده و پورشه دار باشند و اکثریت از رفاه و تفریح و امکانات تحصیلی و مسکن مناسب بی بهره

جامعه ایران تشنه عدالت و برابری است. تشنه رفاه است تشنه رفح هر نوع تبعیض و هر نوع شکاف طبقاتی است. تشنه نظامی است که یک اقلیت مفتخور صاحب همه

اعتراضات کارگری در چند مرکز نفتی

بنا بر خبرهای دریافتی کارگران پیمانکاری در برخی از مراکز نفتی از جمله در شرکت‌های جندی شاپور در فاز یک، پتروشیمی سبلان، شرکت تناوب واقع در فاز ۱۴ در کنگان، شرکت های فاز ۲۲ و ۲۴، شرکت آزمون فلز، پارس کنگان فاز ۱۳ و شرکت اکسیر علیرغم وعده های پیمانکاران هنوز به مطالباتشان نرسیده اند. در برابر اعتصاب گسترده کارگران پیمانکاری و جوشکاری در شمار بسیاری از شرکت ها در نفت و پتروشیمی و نیروگاهها، پیمانکاران از ترس گسترش دامنه این اعتراضات عقب نشینی هایی کردند و وعده و وعید هایی دادند. اما در خیلی جاها این وعده ها عملی نشد و بعد از بازگشت کارگران به سرکار پیمانکاران برای شکستن صف متحد اعتراض، اعلام کردند که کارگران برای گرفتن مطالباتشان تک به تک مراجعه کنند. بدین ترتیب در برخی شرکت ها مبلغی به مزد

کارگران پایبندگی و جوشکار اضافه شد و یا طلب کارگران تسویه گردید. اما در بسیاری دیگر افزایش مزدی صورت نگرفته است و هنوز بخشی از کارگران حتی دستمزدهای معوقه خود را نگرفته و بعضا تا ۴ ماه مزد طلب دارند. این درحالیست که کوچکترین اقدامی برای بهبود وضع خوابگاهها و غذاخوری ها و وضعیت کاری و معیشتی کارگران صورت نگرفته است. و وقتی کارگران به این وضعیت اعتراض میکنند به اخراج و قرار گرفتن نامشان در لیست سیاه تهدید میشوند.

در مقابل این خلف وعده ها و ترفندهای پیمانکاران بخشی از نفتگران حاضر به مذاکره فردی نشده و همچنان سر کار نمیروند. بسیاری از کارگرانی هم که مراجعه کرده اند اکنون پشیمانند. این چنین است که زرمزه های اعتصاب و اعتراض در میان کارگران پیمانی در شرکت های مختلف نفت و موسسات وابسته به آن

دوباره بالا گرفته است. بعلاوه اینکه اعتصابات اخیر یک نقطه عطفی در فضای مراکز نفتی و موسسات وابسته به آن ایجاد کرد و اکنون دیگر صدای اعتراض نفتگران از جاهای مختلف شنیده میشود. چند نمونه از اعتراضات در مراکز نفتی و وابسته به آن در چند روز اخیر به قرار زیر است:

- روز ۹ مهر جمعی از کارکنان نیروگاه گازی سیکل ترکیبی آبادان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود در مقابل درب ورودی این نیروگاه دست به تجمع زدند.

- روز ۹ مهر در ادامه اعتراضات قبلی، کارگران بخش خدمات شرکت پتروشیمی اروند در اعتراض به محرومیت از امنیت شغلی و اقدام پیمانکار جدید به انعقاد قرارداد حجمی دست به تجمع زدند. با این شکل از قرار داد کارفرما بدون در نظر گرفتن تعداد مورد نیاز از کارگران کار سنگینی را میکشد. و بطور مثال در جایی که نیاز به ۴ کارگر است پیمانکار میخواهد با یک کارگر کار خود را به پیش برد.

کارگران پتروشیمی اروند به این بساط بردگی و چپاول اعتراض دارند.

- روز ۸ مهر کارگران بخش های مختلف شرکت برق ویس (رامین) در اعتراض به تعویق پرداخت حقوق و سایر مزایای شغلی، چندین ماه حق بیمه و به اجرا گذاشتن طرح خصوصی سازی در این نیروگاه و اخراج ها بار دیگر در مقابل ساختمان شرکت در اهواز تجمع کردند. همانطور که قبلا نیز گزارش کردیم واگذاری ۴۹ درصد از سهام این نیروگاه به بخش خصوصی از چندی پیش آغاز شده است. پشت این واگذاری ها چپاول و دزدی و تعرض به زندگی و معیشت کارگران قرار دارد و کارگران تجربه آترا دارند و به آن معترضند. کارگران خواستار توقف این خصوصی سازیها و پرداخت فوری طلبهایشان هستند. کارگران میگویند در صورت انجام این واگذاری ها باید حقوق آنها ۶۵ درصد افزایش یابد و مطالبات دیگر آنان چون حق مناطق جنگ زده و حق مسکن پرداخت شود. به گفته کارگران با توجه به اینکه

تعداد نیروی پیمانکاری در این نیروگاه بیش از نیروهای رسمی است با واگذاری سهام به بخش خصوصی، شمار زیادی از آنها شغل خود را از دست خواهند داد و خواستار رسمی شدن قراردادهایشان هستند. تعداد کل کارکنان پیمانکار نیروگاه رامین ۹۵۲ نفر است.

- روز ۵ مهر کارکنان نفت عضو پروژه ۲۰۰۰ واحد مسکن مهر نفت اهواز در اعتراض به بلاتکلیفی ۱۰ ساله تحویل مسکن هایشان همزمان با بازدید نمایندگان مجلس اسلامی با همراهی مدیر کل راه و شهرسازی استان خوزستان از محل این پروژه، تجمع کرده و خواهان به سرانجام رساندن بیش از ۷۰۰ واحد نیمه کاره و بی سرانجام شدند.*

پیش بسوی
اعتصابات سراسری
پیش بسوی
ایجاد شوراهای
حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۰ مهر ۱۳۹۹
۱۱ اکتبر ۲۰۲۰



میکند و زیر فشار مردم دارند خرخره هم را میجویند. بشریت باید هر چه زودتر از شر چنین حکومتی رها شود. آرزوی روز جشن و شادی همه مردم جهان خواهد بود.*

حزب کمونیست
کارگری ایران
۵ مهر ۱۳۹۹

پدر امیرحسین مرادی هم قربانی جنایات جمهوری اسلامی شد

طبق خبری که به ما رسیده است مسئولان قضایی حکومت پدر امیر حسین را تحت فشار قرار داده بودند که امشب در برنامه ۸ و ۳۰ صدا و سیمای منفور حکومت علیه پرسش صحبت کند و او را جزو ارادل و اوپاش معرفی کند.

هیچ بخشی از این حکومت ذره ای شرم و شرف ندارد. هیچ بخشی از این حکومت قابل اصلاح نیست. هیچ بخشی از این حکومت و هیچ ارگان و مقام حکومتی طبق خبری که به ما رسیده است مسئولان قضایی حکومت پدر امیر حسین را تحت فشار قرار داده بودند که امشب در برنامه ۸ و ۳۰ صدا و سیمای منفور حکومت علیه پرسش صحبت کند و او را جزو ارادل و اوپاش معرفی کند.

ذره ای انسانیت در وجودشان نیست. جنایت پشت جنایت تنها ابزار رژیم برای ماندن است. اما دور نیست روزی که مردم به حسابشان خواهند رسید.

سایت امتداد با پیشروی تمام بجای اینکه حکم اعدام امیر حسین که فشار طاقت فرسایی به پدر و مادر دردمندش وارد آورده و فشار ارگانهای حکومت به پدر او برای مصاحبه علیه پرسش را دلیل خودکشی معرفی کند گفته است که فشارهای

روحنی و مشخصا فشار از خارج که اگر سکوت کنید فرزندان اعدام میشود باعث خودکشی او شده است. سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی دستگیر میکنند، بازجوها شکنجه میکنند که اعتراف بگیرند، سیستم سراپا جنایت قضایی حکومت اعدام صادر میکند، صدا و سیما خانواده را برای مصاحبه علیه جگرگوشه شان که زیر تیغ اعدام قرار دارد تحت فشار قرار میدهند و رسانه هایشان در بخش دیگری از این سناریوی تماما جنایت نقش بازی میکنند.

هیچ بخشی از این

حکومت قابل اصلاح نیست. هیچ بخشی از این حکومت و هیچ ارگان و مقام حکومتی ذره ای انسانیت در وجودشان نیست. جنایت پشت جنایت تنها ابزار رژیم برای ماندن است. اما دور نیست روزی که مردم به حسابشان خواهند رسید. خودشان این روزها از امکان شکست صحبت

تلخیصی از اطلاعیه های حزب اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، رانندگان شرکت نفت گچساران و دیگر خبرها

- روز ۵ مهر کارگران نیشکر هفت تپه در بخش داخلی کارخانه در ادامه اعتراضاتشان و بخاطر عدم پرداخت نیمی از دستمزد تیرماه و دو ماه حقوق مرداد و شهریور ماه خود و عدم اجرایی شدن دیگر مطالباتشان دست به اعتصاب زدند. در حالیکه صدا و سیما جمهوری اسلامی ادعا میکند که بخشی از مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه برآورده شده است، این کارگران هنوز مطالبات خود را نگرفته و دفترچه های بیمه شان تمدید نشده است.

- روز ۵ مهر کارگران شهرداری خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و ۶ ماه بیمه دست از کار کشیدند و مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. در همین روز کارگران شهرداری قزوین اعتراض خود را به تعویق پرداخت دستمزدها و دیگر مطالباتشان و عدم اختصاص تجهیزات لازم از جمله ماسک و دستکش جهت پیشگیری از بیماری مرگبار کرونا رسانه ای کردند.

- روز جمعه ۴ مهر برای سومین روز متوالی، کارگران کارخانه فرش آستان قدس رضوی کاشمر برای اعتراض به سطح نازل حقوق از رفتن برسرکارشان خودداری کردند.

- روز جمعه ۴ مهر، کارگران شرکت آب و فاضلاب کرمانشاه اعتراض خود را به عدم پرداخت سه ماه مزد و عدم پرداخت بموقع دستمزدهایشان رسانه ای کردند.

- روز پنجشنبه ۳ مهر ماه رانندگان خودروهایی استیجاری شرکت نفت و گاز گچساران در اعتراض به پرداخت نشدن ۴ ماه حقوق و بخشی از مزد سال گذشته خود و همچنین سطح نازل دستمزدهایشان، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. این رانندگان در روز قبلش نیز در اعتصاب بودند. همچنین در هفته گذشته رانندگان خودروهایی پیکاپ استیجاری این شرکت در اعتراض به پرداختن مزد خود مقابل اداره مرکزی شرکت نفت گچساران تجمع داشتند.

- روز سوم مهرماه کارگران فضای سبز اخراجی شهرداری زنجان برای بازگشت به کار و پایان دادن به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی خود دست به تجمع زدند. در رابطه با این بیکارسازیها شهردار زنجان میگوید: "امسال دستورالعملی از سوی شورای شهر در خصوص تعدیل نیرو توسط اخراجها کارگران ایستاده اند و از زندگی و معیشتشان دفاع میکنند. این کارگران در همین رابطه روز قبل از این نیز مقابل استانداری تجمع داشتند. به گفته کارگران سابقه بعضی از آنها به ۱۸ سال میرسد و بعد از سالها کار بدون هیچگونه تأمینتی از کار بیکار شده اند. بعضی از کارگران معترض شهرداری زنجان از معلولیت رنج می‌برند و با حقوق ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار تومانی بیهیستی

حتی یک هفته هم نمی‌توانند گذران زندگی کنند.

۶ مهر: اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه ادامه دارد

کارگران نیشکر هفت تپه برای پیگیری خواستههایشان به اعتراضات خود ادامه میدهند. کارگران بخش داخلی شرکت در قسمت تجهیزات کارخانه روز ۶ مهرماه نیز دراعتصاب بودند. اما برای جلوگیری از تعطیلی شرکت و سوء استفاده مدیریت کارگران کشت همچنان به کار ادامه میدهند. زیرا یک سیاست مدیریت شرکت و دولت کاهش کشت و کوچک کردن شرکت نیشکر است و کارگران با آن مقابله میکنند.

احضار کارگران هفت تپه محکوم است

- روز ۸ مهرماه هفت نفر از کارگران نیشکر هفت تپه به اسامی محمد امین حجازی، احمد شلاکه، رحیم حمدانی، میلاد لطیفی، محمد عبدلخانی، عظیم الکثیر، قاسم کثیر به پاسگاه مستقر در هفت تپه احضار شدند. بنا بر این خبر این کارگران با شکایت شرکت نیشکر هفت تپه تحت عنوان تحریک کارگران در اول مهر به اعتصاب، باید روز پنجشنبه ۱۰ مهر باید خود را به این پاسگاه معرفی کنند. این موضوع به فضای اعتراض در این مجتمع ۵ هزار نفره کارگری شدت داده است. به گفته کارگران هیچکدام از وعده های داده شده عملی نشده است و هم اکنون آنها نیمی از دستمزد تیرماه و مزد ماههای مرداد و شهریور را طلب دارند.

خلع ید از اسدیگی یک موفقیت برای کارگران هفت تپه است

جدال کارگران برای دیگر خواستهها ادامه دارد روز ۹ مهر پنجمین

نشست کمیسیون ویژه مجلس اسلامی بر سر مالکیت نیشکر هفت تپه و بررسی وضعیت این مجتمع ۵ هزار نفره کارگری برگزار شد. نشست روز نهم مهر ماه با حضور علی نیکزاد نایب رئیس مجلس، علی خضریان نماینده تهران و سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، سید نظام‌الدین موسوی نماینده مجلس از تهران و عضو کمیسیون اصل ۹۰، علی موسوی نماینده مجلس در شهر ملکان و عضو کمیسیون صنایع مجلس، رئیس سازمان خصوصی سازی، نمایندگان از وزارت کار و اقتصاد، و نماینده استاندار خوزستان و همچنین جمعی از نمایندگان کارگران هفت تپه در مجلس شورای اسلامی برگزار شد. در این نشست سرانجام دولت و مجلس و نمایندگان ریز و درشت حکومتی از قوای سه گانه حکومتی و مسئولان استان بعد از توی سر هم کوبیدن بسیار ناگزیر به تسلیم در برابر خواست کارگران شدند و رای به خلع ید از اسدیگی و باند مافیایی او از نیشکر هفت تپه دادند. قرار است این کار نهایتاً تا یک ماه و نیم دیگر انجام گیرد. بعلاوه مقرر شد که تا ۱۵ مهرماه تمام طلبها و حقوق و اضافه کاری تیرماه و مردادماه کارگران پرداخت شود.

این تصمیمات یک موفقیت مهم برای کارگران نیشکر هفت تپه است. بیش از سه ماه اعتصاب قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه و مبارزات چند ساله آنان علیه باند دزد و چپاولگر اسدیگی بالاخره آنها را به تسلیم واداشت. امروز دهم شهریور کارگران نیشکر هفت تپه این پیروزی را به عنوان اولین سنگر فتح شده خود جشن گرفته اند. حزب کمونیست کارگری این موفقیت بزرگ را

به کارگران نیشکر هفت تپه تبریک میگوید

خلع ید از اسدیگی و باندش در راس خواستههای کارگران نیشکر هفت تپه قرار داشت. اما در این رابطه کارگران اعلام کرده اند که کلاً با هیچ نوع خصوصی سازی و سپردن شرکت به دست یک دزد دیگر موافقت نخواهند کرد. باید دولت کسی را به شرکت گسیل کند و تحت نظارت کارگران شرکت اداره شود. فعلاً سرنوشت چگونگی مالکیت شرکت هنوز روشن نیست. به گفته کارگران حتی اگر حقوق تیر و مرداد هم پرداخت شود آنها مزد شهریور را هم طلب دارند. ضمن اینکه یک خواست مهم دیگر آنها بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی از تمام بخش های شرکت است. همچنین کارگران خواستار بازگشت به کار اسماعیل بخشی و سه همکاردیگرشان هستند که در جریان اعتراضات سال ۹۷ بازداشت شده بودند و بعد از اعتراضات وسیع آزاد شدند و پرونده هایشان مسدود شد. بدین ترتیب جدال هفت تپه بعد از این موفقیت نیز ادامه خواهد یافت و کارگران متحدانه بر سر خواستههای خود ایستاده اند.

اعتراضات کارگران شهرداری در ۱۳ شهر و دو خبر دیگر

- ۸۰ کارگر شهرداری سی سخت در استان کهگیلویه و بویراحمد ۹ ماه معوقات مزدی دارند. روز ششم مهرماه زیر فشار اعتراضات متوالی این کارگران علی فرد شهردار سی سخت اعلام کرد که یک ماه از معوقات مزدی این کارگران تا دو روز آینده پرداخت می‌شود. کارگران تمام طلبهای خود را میخواهند.

همچنین اعتراضات صدها ادامه در صفحه ۱۶



ساختمان شرکت در اهواز تجمع کردند.

- روز سه شنبه ۸ مهر ماه کارگران کارخانه قند مهاباد بدلیل نپرداختن حق و حقوقهای خود و اخراجها دست به اعتصاب زدند و در نتیجه کارخانه تعطیل شد.

- روز دوشنبه ۷ مهر کارگران نیروگاه رامین اهواز اعتراض خود را به واگذاری این شرکت به بخش خصوصی و نداشتن ایمنی کار و معیشتی رسانه ای کردند. بنا بر خبرها واگذاری ۴۹ درصد از سهام این نیروگاه به بخش خصوصی از چندی پیش آغاز شده است. پشت این واگذاری ها چپاول و دزدی و تعرض به زندگی و معیشت کارگران قرار دارد و کارگران تجربه آترا دارند و به آن معترضند. کارگران خواستار توقف این خصوصی

اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، رانندگان شرکت نفت گچساران ...

کمونیسست کارگری کارگران شهرداری در تمام شهرها را به کارزار علیه قراردادهای پیمانی و در دفاع از زندگی و معیشت خود فرا میخواند.

- روز شنبه ۵ مهر، کارگران مجتمع فولاد زردن ایرانیان (شرکت پیمانکاری نوین سازه هزار) اعتراض خود را به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و تهدید به اخراج کارگران معترض رسانه ای کردند.

- روز ۸ مهر کارگران بخش های مختلف شرکت برق ویس (رامین) در اعتراض به تعویق پرداخت حقوق، چندین ماه، حق بیمه و سایر مزایای شغلی و نیز در اعتراض به اخراج ها در مقابل

کارگر شهرداری تبریز برای حذف شرکت های پیمانکاری و تبدیل وضعیت استخدامی آنها از پیمانی به قرارداد مستقیم، و نیز برای افزایش حقوقها و در اعتراض به وعده های توخالی مسئولان شهرداری و اعضای شورای اسلامی این شهر ادامه دارد. اعتراض کارگران شهرداری هر روز گسترده تر و سراسری تر میشود. طی دو هفته اخیر این کارگران در شهرهایی چون تبریز، سی سخت، خرمشهر، زنجان، سوسنگرد، اهواز، آغاچاری، لالی، کوت عبدالله، بناب، خوی، دشت آزادگان و هویزه دست به اعتراض زده و پیگیر خواستههایشان شدند. حزب

سازیهها هستند. کارگران بازنشسته مشمول حالت اشتغال فولاد، با برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل ساختمان وزارت کشور خواستار رسیدگی به مطالبات مزدی خود شدند.

- روز دوشنبه ۷ مهرماه شماری از پرسنل شرکت جهاد نصر کرمانشاه در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی خود، در مقابل ساختمان استانداری این استان تجمع کردند.

- روز ۷ مهر کارگران کارخانه تفکیک زباله در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و معوقات خود در مقابل سازمان مدیریت پسماند شهری اهواز تجمع کردند. - روز دوشنبه ۷ مهر جمعی از خانواده های

پیش بسوی
اعتصابات سراسری
پیش بسوی
ایجاد شوراهای
حزب کمونیست
کارگری ایران
۸ مهر ۱۳۹۹
۲۹ سپتامبر ۲۰۲۰

شش روستا در میدیای اجتماعی و نوشتن بیانیه و جمع آوری نامه های حمایتی از آنها، اقدامات موثر و تاثیر گذاری خواهند بود.*

کمیته کردستان حزب
کمونیسست کارگری ایران
۸ مهر ۱۳۹۹
۲۹ سپتامبر ۲۰۲۰

تحت نام حریم قرمز تخلیه شوند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران مردم سردشت و روستاها و فعالین اجتماعی را برای سازماندهی گروه های کمک و همیاری و حمایت از ساکنین این شش روستا فرا میخواند. سازماندهی دفاع از مردم

مسموم و ده ها نفر معلول شده اند.

دستورات امنیتی و تقسیم بندی مرزها به رنگ "قرمز" را باید با اعتراض و مبارزه ای جمعی خنثی کرد. اعمال اراده مردم شش روستای نامبرده برای انتخاب محل زندگیشان امری مهم و تعیین کننده است. مردم این شش روستا هستند که تصمیم میگیرند در روستاهایی که سالیان طولانی زندگی کرده اند بمانند و یا روستاها را ترک کنند. در صورتیکه مردم با تصمیم جمعی بخواهند روستاها را ترک کنند این وظیفه جمهوری اسلامی است که محل زندگی و مسکن و حقوق برای تامین معیشت و ادامه تحصیل فرزندانانشان را تضمین و خسارت کامل مسکن، دامداری و زمین های زارعی و باغ های آنها را پرداخت کند.

مردم مبارز سردشت نباید اجازه دهند روستاهای مرزی

مردم مبارز سردشت! تخلیه اجباری شش روستای مرزی شهرستان سردشت را محکوم و خنثی کنید!

به تخلیه و ویرانی روستاها میزنند. صدام حسین با دیکتاتوری لجام گسیخته اش، صدها روستا در کردستان عراق را تخلیه و نسل کشی ساکنین این روستاها را به فاجعه ای انسانی در دوره زمامداریش به ثبت رسانید.

رژیم جنایتکار اسلامی در چهار دهه گذشته صدها بار مناطق و روستاهای مرزی کردستان ایران را با بمب و توپ و حملات زمینی با خاک یکسان کرده و در جنگ ایران و عراق ده ها روستا را تخلیه و ساکنین این روستاها را آواره شهرها و دیگر مناطق کرده است. تنها در شهر سردشت بر اثر بمباران در جنگ ایران و عراق ۱۱۰ نفر جانباختند، ۸۰۰۰ نفر

شورای عالی امنیت ملی حکومت اسلامی دستور داده است تا شش روستای مرزی ("نوکان"، "ههززه"، "گاکلی"، "گوره ش ر"، "بهردان" و "ت ت خوار") شهرستان سردشت تخلیه شود. طبق اطلاعات این نهاد روستاهای نامبرده در "حریم قرمز مرز" قرار دارند!

باید در مقابله با دستور نهاد سرکوب (شورای عالی امنیت) حکومت اسلامی ایستاد. و نگذاریم سرنوشت و زندگی هزاران نفر از ساکنین این روستاها بازیکه دستورات نهادهای امنیتی و سرکوب رژیم اسلامی شود.

این اولین بار نیست که رژیمهای دیکتاتور در مرزهای کردستان ایران و عراق دست

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی
ادیتور: کاظم نیکخواه
مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود

www.anternasional.com

